

عربستان بدون نفت؛ تحول در سرمایه‌گذاری و بهره‌وری

این گزارش ترجمه و تحلیلی است از طرح مطالعاتی مؤسسه جهانی مک‌کنزی
با عنوان

**SAUDI ARABIA BEYOND OIL: THE INVESTMENT
AND PRODUCTIVITY TRANSFORMATION**

یا «عربستان بدون نفت؛ تحول در سرمایه‌گذاری و بهره‌وری» به قلم قسان
الکیسی، جانانان وتزل، تام ایشروود، جوادخان، جان میشخه و حسن نورا
که در دسامبر ۲۰۱۵ توسط این مؤسسه منتشر شده است.

معاونت پژوهش‌های اقتصادی
دفتر: مطالعات اقتصادی

کد موضوعی: ۲۲۰
شماره مسلسل: ۱۴۸۵۳
خردادماه ۱۳۹۵

فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۴.....	خلاصه مدیریتی
۵.....	۱. یک دهه افزایش رفاه اقتصادی ناشی از نفت
۹.....	۲. چالش‌های امروز: بازار انرژی در حال تحول و افزایش ناگهانی جمعیت
۱۳.....	۳. فرصت ۴ تریلیون دلاری سرمایه‌گذاری
۱۹.....	۴. تحول در اقتصاد از طریق افزایش بهره‌وری نیروی کار، فضای کسب‌وکار بهتر و مدیریت مالی پایدار و تاب‌آور
۲۲.....	۵. اجرایی‌سازی: چالشی برای کسب‌وکارها، خانوارها و همچنین دولت
۲۷.....	تحلیل و ارزیابی مرکز پژوهش‌ها
۲۹.....	منبع و مأخذ



عربستان بدون نفت؛ تحول در سرمایه‌گذاری و بهره‌وری

چکیده

این گزارش را مؤسسه جهانی مک‌کنزی^۱ در شرایطی منتشر کرده که پس از یک دهه وفور درآمد نفتی، در سال اخیر دو تحول در خصوص عربستان با یکدیگر قرین شده‌اند: اقتصادی (سقوط قیمت جهانی نفت و احتمال تغییر سیاست نفتی در قبال شرکت آرامکو عربستان) و سیاسی (تغییرات در هیئت حاکمه خاندان پادشاهی و سیاست‌های منطقه‌ای عربستان). حتی اگر صرفاً به ابعاد تحول اقتصادی توجه کنیم به نظر می‌رسد این کشور در یک نقطه چرخش قرار دارد که مطالعه آن برای سیاستگذاران ما نیز خالی از فایده نیست. برخی از مهمترین نکات گزارش مؤسسه مک‌کنزی به شرح زیر است:

– جهش قیمت نفت از ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۳ باعث افزایش رفاه اقتصادی عربستان سعودی شد به طوری که این کشور را به نوزدهمین اقتصاد جهان مبدل ساخت. تولید ناخالص داخلی دو برابر شد، درآمد خانوار ۷۵ درصد رشد کرد و ۱/۷ میلیون شغل برای سعودی‌ها و از جمله جمعیت رو به رشد زنان این کشور فراهم شد. دولت سرمایه‌گذاری گسترده‌ای در آموزش، سلامت و زیرساخت‌ها انجام داد و ذخایری معادل ۱۰۰ درصد تولید ناخالص داخلی سال ۲۰۱۴ فراهم آورد.^۲

– با توجه به تحولات بازار جهانی انرژی و ملاحظات مربوط به تغییرات جمعیتی (تا سال ۲۰۳۰، تعداد نیروهای در سن کار به شدت افزایش خواهد یافت)، عربستان سعودی دیگر نخواهد توانست بر پایه درآمدهای نفتی و مخارج دولتی رشد کند. مشارکت نیروی کار در حال حاضر ۴۱ درصد است و رشد ۰/۸ درصدی بهره‌وری طی سال‌های ۲۰۰۳ الی ۲۰۱۳ بسیار کمتر از شاخص مشابه در اقتصادهای نوظهور بوده است. بیش از نصف جمعیت نیروی کار این کشور، کارگران خارجی هستند که بر اساس قراردادهای موقت به کار گمارده می‌شوند و درآمد آنها به‌طور قابل توجهی کمتر از اتباع عربستانی است.

– ما مدلی را طراحی کرده‌ایم که چشم‌اندازهای اقتصادی، بازار نیروی کار و بخش مالی عربستان سعودی در آن ادغام شده‌اند. این مدل نشان می‌دهد که حتی اگر حکومت، در مواجهه با شرایط چالشی موجود، تغییر منفعلانه خط‌مشی از جمله ثابت کردن بودجه یا محدودیت‌های مهاجرت اتخاذ کند، باز هم بیکاری به سرعت رشد خواهد کرد، درآمد خانوار کاهش می‌یابد و جایگاه مالی دولت ملی به شدت تنزل می‌یابد.

1. McKinsey Global Institute (MGI)

مؤسسه مشاوره مک‌کنزی، نویسنده اصلی سند جدید غیرنفتی کردن عربستان است. محمدبن سلمان در مصاحبه‌ای از وزارت برنامه‌ریزی عربستان به عنوان «وزارت مک‌کنزی» نام می‌برد.

۲. بر اساس آمارهای بانک جهانی (World Bank)، تولید ناخالص این کشور در سال ۲۰۱۴ معادل ۷۵۳/۸ میلیارد دلار است.

- اما از سوی دیگر، عربستان سعودی قادر خواهد بود که از طریق یک تحول مبتنی بر بهره‌وری، مجدداً تولید ناخالص داخلی را دو برابر کند و تا سال ۲۰۳۰، ۶ میلیون شغل جدید ایجاد کند. تخمین زده می‌شود که این امر نیازمند یک تریلیون دلار سرمایه‌گذاری است. ۸ بخش (معدن و فلزات، پتروشیمی، تولید صنعتی، مبادلات خرده‌فروشی و عمده‌فروشی، توریسم و صنعت گردشگری، خدمات درمانی، تأمین مالی و ساخت‌وساز)، این قابلیت را دارند که بیش از ۶۰ درصد از فرصت‌های رشد را محقق سازند.

- برای اجرایی‌سازی این تحول، عربستان سعودی باید، به روند انتقال از مدل اقتصادی مبتنی بر دولت به روش مبتنی بر بازار سرعت ببخشد. در بازار نیروی کار، برای دستیابی به درآمد بیشتر برای خانوار، ضروری است که نرخ مشارکت نیروی کار متشکل از زنان و مردان سعودی، افزایش پیدا کند؛ در این صورت، نسبت و تعداد نیروی کار خارجی کاهش می‌یابد و به احتمال زیاد وضعیت پرداختی و شرایط کاری آنها نیز بهبود خواهد یافت. رشد سریع‌تر بهره‌وری مستلزم مقررات کسب‌وکار بهتر و ایجاد مجال بیشتر برای رقابت، مبادله و سرمایه‌گذاری است. عواملی که می‌توانند پایداری نظام مالی را تضمین کنند عبارتند از: افزایش بهره‌وری مخارج و تأمین منابع درآمدی جدید که احتمالاً شامل مالیات‌ها و افزایش قیمت حامل‌های انرژی داخلی می‌شود.

- شرط لازم تحول این است که همه ذینفعان از جمله بخش خصوصی، سرمایه‌گذاران خارجی و خانوارها در فرآیند تحول نقش داشته باشند. در حالی که کسب‌وکارها خود را با یک فضای رقابتی‌تر وفق می‌دهند و اتباع سعودی نیز خود را ملزم به مسئولیت‌پذیری بیشتر می‌کنند، دولت مرکزی نیز باید، با آغوش باز، نحوه خدمت‌رسانی^۱ جدیدی را اتخاذ کند. این تحول قطعاً چالشی خواهد بود، اما دوران جدیدی از رشد اقتصادی و اشتغال که در نتیجه آن تحول، پدید خواهد آمد، به مراتب نسبت به درآمدهای هنگفت نفتی پیشین، پایدارتر خواهد بود.



شکل ۱. عربستان سعودی؛ تحول مبتنی بر بهره‌وری



تصویری از ظرفیتهای عربستان سعودی تا سال ۲۰۳۰



افزایش دو برابری تولید ناخالص داخلی ۲

امکان سرمایه‌گذاری ۴ تریلیون دلاری در اقتصاد غیر نفتی و عمدتاً توسط بخش خصوصی ۴

افزایش ۶ میلیون نفری نیروی کار سعودی در بازار کار ۶

۶۰٪

۸۰۰ میلیارد دلار

افزایش در درآمد خانوار سعودی

افزایش تولید ناخالص داخلی

۸ بخش اقتصادی که رشد و شغل را فراهم خواهند کرد



معدن و فلزات



پتروشیمی



صنایع کارخانه‌ای



مبادلات خرده‌فروشی و عمده‌فروشی



توریسم و گردشگری



تأمین مالی



ساختوساز



خدمات درمانی

این بخش‌ها می‌توانند بیش از ۶۰ درصد رشد مورد نیاز برای دوبراب کردن تولید ناخالص داخلی تا سال ۲۰۳۰ را رقم بزنند.

سه رکن اساسی برای تحول عربستان سعودی

نیروی کار کارآمدتر

افزایش اشتغال و مشارکت زنان و مردان در بازار نیروی کار.
حذف عدم تطابقها بین مهارتها و نیازمندی‌های بازار کار.

اصلاحات اقتصادی

رقابت بیشتر و گشودن درهای اقتصاد برای سرمایه‌گذاری خارجی و تجارت بیشتر.
در جهت رفع موانع رشد بخش خصوصی، رویه‌های چابکتر و سهولتری مورد نیاز است.

مدیریت مالی پایدار

مدل مالی موجود که مبتنی بر درآمدهای نفتی و مخارج دولتی است، نیاز به بازبینی اساسی دارد.
ضرورت اتخاذ رویه‌های کارآمدتر برای مخارج و یک نگاه جدید به ارزش پول

خلاصه مدیریتی

اقتصاد عربستان سعودی، یکی از اقتصادهای بزرگ در سطح بین‌المللی است که مختصات آن به اندازه کافی موشکافی نشده است. در طی دهه ۲۰۰۳ الی ۲۰۱۳ به واسطه طولانی‌مدت بودن دوره وفور درآمدهای نفتی، اندازه این اقتصاد دوبرابر شد. در همان زمان، اقتصاد عربستان در معرض یک مدرن‌سازی قابل توجه قرار گرفت به گونه‌ای که رفاه اقتصادی و تغییر را برای عربستان سعودی به ارمغان آورد. درآمد خانوار برای اتباع عربستانی با تعدیل تورم، حدود ۷۵ درصد طی این دهه افزایش یافت؛ همچنین ۱/۷ میلیون شغل ایجاد شد و ۴۵۰ میلیارد دلار در بخش سلامت، تحصیلات و زیرساخت‌ها سرمایه‌گذاری شد؛ در نتیجه این روندها، استانداردها و کیفیت زندگی به شدت افزایش پیدا کرد.

مدل رشد مبتنی بر درآمدهای نفتی و مخارج دولتی، یک موضوع پرتکرار در طول دو دهه گذشته در بین اقتصاددانان سعودی و بین‌المللی بوده است؛ بسیاری از این اقتصاددانان معتقدند که اقتصاد عربستان در راستای دستیابی به پایداری، باید از نفت فاصله بگیرد. چندین برنامه پنج‌ساله توسعه نیز، متنوع‌سازی درآمد را به عنوان اهداف اصلی و دارای اولویت معرفی کرده‌اند.

امروز دستیابی به آن هدف ضروری است. در ۱۵ سال آینده، حکومت پادشاهی با چالش‌های اساسی از بُعد مالی و جمعیتی روبرو خواهد بود؛ رقابت گسترده در بازار انرژی و افزایش گسترده نیروهای در سن کار، مهمترین این چالش‌ها هستند؛ در نتیجه، اقتصاد در نقطه عطف قرار دارد. در حالی که جهان خارج، تمرکز خود را به سمت چالش‌های بسیار اساسی معطوف ساخته است، ما معتقدیم که حکومت پادشاهی فرصت بسیار مهمی در اختیار دارد تا اقتصادش را پایدارتر کند و وابستگی‌اش به نفت را کاهش دهد.

برای اینکه بتوانیم دلالت‌های مربوط به این شرایط داخلی و خارجی در حال تغییر را به‌طور مستقل از دولت سعودی و دیگر پیش‌بینی‌ها، مورد آزمون قرار دهیم، مدلی جامع طراحی کرده‌ایم؛ در این مدل، چشم‌اندازهای اقتصادی، چشم‌انداز بازار نیروی کار و چشم‌انداز تأمین مالی عمومی ادغام و یکپارچه شده‌اند. این مدل نشان می‌دهد که بر اساس روندهای موجود، عربستان سعودی در طی ۱۵ سال آینده، دچار یک زوال اقتصادی سریع خواهد شد. حتی اگر دولت بخواهد از طریق فریز کردن مخارج دولتی یا مداخله در بازار نیروی کار واکنش نشان دهد، باز هم به احتمال زیاد درآمد خانوار کاهش و بیکاری افزایش می‌یابد و آسیب مالی روبه رشد پدید خواهد آمد. اما این پیامد، یک نتیجه‌گیری حتمی و غیرقابل تغییر نیست. سناریو متفاوت دیگری نیز محتمل است؛ اینکه حکومت پادشاهی بتواند از طریق یک تحول مبتنی بر بهره‌وری، پویایی جدیدی را به اقتصاد تزریق کند. در راستای فعلیت بخشیدن به ظرفیت‌های درونی اقتصاد بدون نفت، ضروری است که اصلاحات قابل توجهی در بازار نیروی کار، مقررات کسب‌وکار و مدیریت مالی انجام شود. اعمال موفقیت‌آمیز این اصلاحات، می‌تواند نویدبخش دوره جدیدی از رفاه اقتصادی برای حکومت باشد.



سه عدد (۲، ۴ و ۶) بیانگر مزیت‌های بالقوه هستند. این قابلیت وجود دارد که تا سال ۲۰۳۰ تولید ناخالص داخلی دو برابر شود و ۸۰۰ میلیارد دلار دیگر به رقم فعلی اضافه شود. ۴ تریلیون دلار سرمایه‌گذاری که عمدتاً توسط بخش خصوصی مستقر در عربستان سعودی و یا شرکت‌های بین‌المللی تأمین می‌شود، می‌تواند به اقتصاد بدون نفت قوت ببخشد. همچنین حکومت عربستان با ایجاد ۶ میلیون شغل، می‌تواند هجوم افراد در سن کار به سمت بازار نیروی کار را به‌طور کامل جذب کند.

چنانچه حکومت بخواهد در راستای دستیابی به تحول، اصلاحات مورد نیاز را انجام دهد و ظرفیت‌های بالقوه را بالفعل کند، قطعاً با دشواری‌های زیادی روبرو خواهد بود. عربستان سعودی باید از اقتصاد دولت‌محور و مدل اجتماعی موجود به روش مبتنی بر بازار تغییر وضعیت دهد که این اقدام باعث خواهد شد اقتصاد عربستان، هم‌تراز اقتصادهای مدرن قرار گیرد. دولت، تا به حال نیز در بعضی حوزه‌ها، این اقدامات را انجام داده است و تلاش‌هایش را در چند ماه گذشته سرعت داده است. در این گزارش، یک نقشه راه طرح‌ریزی کرده‌ایم که بر اساس آن، حکومت می‌تواند به اهداف بلندپروازانه بیشتری دست یابد.

برای ارائه تحلیل‌ها و نتیجه‌گیری‌ها صرفاً بر عوامل اقتصادی تمرکز شده است. در این گزارش، دو مقوله امنیت و سیاست منطقه در تحلیل‌ها وارد نشده‌اند؛ اگر چه می‌دانیم این دو مقوله می‌توانند بر تحول بالقوه طراحی شده، اثرگذار باشند.

۱. یک دهه افزایش رفاه اقتصادی ناشی از نفت

اقتصاد عربستان از جایگاه بیست‌وهفتم جهانی در سال ۲۰۰۳ به جایگاه نوزدهمین اقتصاد دنیا در سال ۲۰۱۴ مبدل شد. تولید ناخالص داخلی اسمی این کشور حدود ۷۵۰ میلیارد دلار است که نسبت به شاخص مشابه برای سوئیس و سوئد بالاتر است. اگر بخواهیم بر اساس درآمد سرانه تحلیل کنیم، می‌توان گفت که تولید ناخالص داخلی اسمی سرانه حدود ۲۴۰۰۰ دلار است که اندکی پایین‌تر از درآمد سرانه کره جنوبی و بالاتر از درآمد سرانه پرتغال است. اگر چه به دلیل خصوصیات منحصر به فرد این کشور نظیر جمعیت گسترده نیروی کار مهاجر و بخش نفت بسیار بزرگ، تصویر ارائه شده از درآمد سرانه تا حد زیادی گمراه‌کننده است.^۱

عربستان سعودی بزرگ‌ترین صادرکننده نفت است و حدود ۹۰ درصد از درآمدهای دولت، از نفت تأمین می‌شود. افزایش قابل توجه قیمت نفت از ۳۰ دلار به ازای هر بشکه در سال ۲۰۰۳ به نقطه اوج پایدار در حدود ۱۱۰ دلار در بازه زمانی ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ و پیش از کاهش مجدد آن در سال ۲۰۱۴، باعث شد که تولید ناخالص داخلی در یک دهه دو برابر شود. در زمانی که به‌واسطه بحران مالی ۲۰۰۸ بدهی‌ها در اکثر اقتصادهای توسعه‌یافته و نوظهور، افزایش می‌یافت، عربستان سعودی یک استثنا بود؛

۱. آمارهای ۲۰۱۴، دپارتمان مرکزی آمار و اطلاعات، وزارت اقتصاد و برنامه‌ریزی عربستان سعودی.

حکومت، بدهی‌های ملی را برطرف کرد و ذخایر را به سطح ۷۳۲ میلیارد دلار که معادل تقریبی ۱۰۰ درصد تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۱۴ بود، رساند.^۱

برای خانوارهای سعودی، مجموعه این رویدادها، دهه افزایش رفاه اقتصادی را رقم زد؛ به طوری که درآمد خانوار، حدود ۷۵ درصد در کل، از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۳ افزایش یافت. این رخداد، عمدتاً ناشی از عملکرد بخش دولتی بود، زیرا بیش از دوسوم کارگران سعودی در بخش دولتی مشغول هستند و در دهه افزایش درآمدهای نفتی، بیش از یک میلیون نفر به نیروی کار استخدام شده دولت اضافه شد. در کل اقتصاد، ۴/۴ میلیون شغل ایجاد شد که از این تعداد، ۱/۷ میلیون آن نصیب اتباع عربستان شد. همچنین افزایش قابل توجهی در پرداخت‌های انتقالی اجتماعی دولتی رخ داد و به طور خاص، همزمان با اصلاح وضعیت رفاه توسط حکومت، طی یک دهه مزبور، طرح اعانه بیکاری در سال ۲۰۱۱ آغاز شد (نمودار ۱). در این دوره، سهمی از درآمد خانوار نسبت به کل درآمد که توسط دستمزدهای بخش دولتی و یا پرداخت‌های انتقالی اجتماعی تأمین می‌شد، از حدود دوسوم به حدود ۸۰ درصد رسید.

این آمارها صرفاً قابل انطباق بر اتباع عربستانی است و نمی‌توان آنها را در مورد نیروی کار مهاجر غیرعربستانی که عمدتاً از جنوب آسیا آمده‌اند نیز صادق دانست. در حال حاضر، این کارگران خارجی و خانواده‌های آنها که اکثریت قریب به اتفاق آنها طبق قراردادهای ثابت و کوتاه‌مدت به کار گمارده می‌شوند، یک‌سوم جمعیت عربستان را تشکیل می‌دهند. افزایش جمعیت کارگران در بازه زمانی ۲۰۰۳ الی ۲۰۱۳ باعث شد که جمعیت عربستان ۳۶ درصد رشد کند و از ۲۲ میلیون نفر به ۳۰ میلیون نفر برسد.

دولت درآمدهای نفتی را برای سرمایه‌گذاری در مجموعه‌ای از اولویت‌های توسعه‌ای به کار برد. در این دهه، مخارج دولتی ۴ برابر شد و حدود ۴۵۰ میلیارد دلار، با هدف بهبود تحصیلات، سلامت، رفاه اجتماعی، زیرساخت و حمل‌ونقل، صرف سرمایه‌گذاری دولتی در پروژه‌ها شد.

این پروژه‌ها شامل منطقه مالی جدید در ریاض و شهر اقتصادی ملک عبدال... در دریای سرخ، احداث دانشگاه‌های جدید، خطوط مترو و ۸۱ بیمارستان جدید می‌شود. تعداد پزشکان از سال ۱۹۹۰ دوبرابر شد، مرگ‌ومیر نوزادان دوسوم کاهش پیدا کرد، امید به زندگی ۷ سال افزایش یافت و به ۷۶ سال رسید که این مقدار بیشتر از مجارستان، ترکیه و چین است. ۲۵ درصد از مخارج دولتی صرف تحصیلات می‌شود و حدود ۶۰ درصد از هر گروه سنی به سومین مقطع تحصیلی وارد می‌شوند؛ نسبتی که مشابه فرانسه و آلمان است.^۲

البته نمی‌توان گفت که همه سرمایه‌گذاری‌ها به صورت کارآمد هزینه شده‌اند و یا اینکه نتایج مطلوب از آنها حاصل شده است. کیفیت کلی آموزش همچنان پایین است. نتایج دانش‌آموزان سعودی در

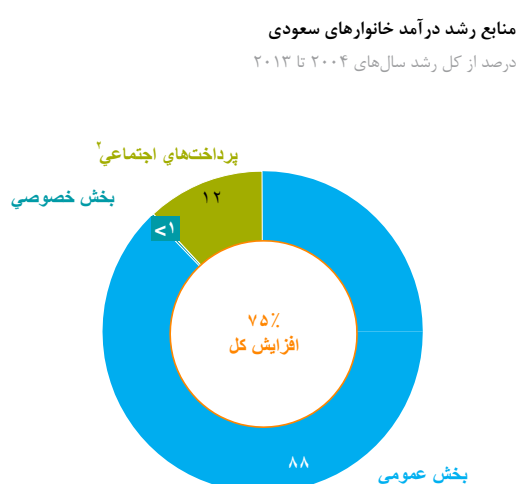
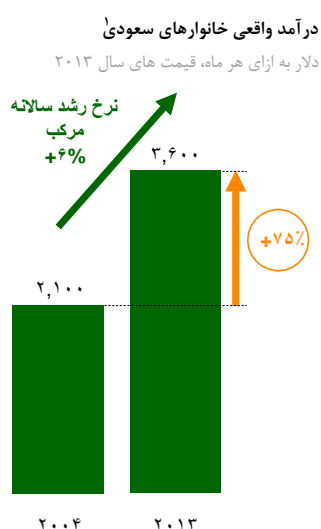
۱. دپارتمان مرکزی آمار و اطلاعات، وزارت اقتصاد و برنامه‌ریزی عربستان سعودی، گزارش «بدهی و بازپرداخت دیون از طریق فروش دارایی‌ها»، مؤسسه جهانی مک‌کنزی، فوریه ۲۰۱۵.

۲. نرخ ناخالص ثبت‌نام برای سومین مقطع تحصیلی، آمارهای یونسکو، ۲۰۱۳.



آزمون‌های رقابتی بین‌المللی پایین است؛ همچنین نرخ ترک تحصیل نیز حدود ۵۰ درصد است.^۱ تأخیرهای طولانی و یا تجاوز از سقف بودجه برای تأمین مالی پروژه‌های کلان و پراهمیت باعث شده است که سرنوشت بعضی از مخارج زیربنایی در حاله‌ای از ابهام قرار گیرد. در بخش خدمات درمانی، باید اذعان کرد که این کشور دارای بالاترین سطح اضافه وزن و دیابت در جهان است به طوری که احداث بیمارستان‌های جدید هم نتوانست چاره‌ای برای بهبود این وضعیت باشد.^۲

نمودار ۱. در دهه رشد درآمدهای نفتی، به واسطه افزایش اشتغال در بخش دولتی و به تبع درآمدهای حاصل از آن، درآمد واقعی خانوارهای سعودی ۷۵ درصد افزایش یافت



مأخذ: مرکز آمار و اطلاعات، وزارت اقتصاد و برنامه‌ریزی سعودی، سازمان جامع بیمه اجتماعی سعودی، وزارت خدمات شهروندی سعودی، تحلیل‌های مؤسسه جهانی مک‌کنزی.
۱. در اینجا صرفاً خانوارهای تبعه سعودی لحاظ شده‌اند و خارجی‌ها مد نظر نمی‌باشند.
۲. مستمری بازنشستگی، مستمری دانشجویی و حقوق بیکاری.

حدود ۸۳ درصد از مردم عربستان سعودی در شهرها زندگی می‌کنند؛ این سطح از شهرنشینی نسبت به بعضی کشورهای غربی اروپایی نیز بیشتر است. تحقیقات مؤسسه مک‌کنزی نشان می‌دهد که شهرهای پررونق، یکی از پیشران‌های رشد اقتصادی هستند؛ بنابراین سطح بالای شهرنشینی در کشور عربستان، یک سرمایه و مزیت محسوب می‌شود.^۳ بیشتر تعاملات شهرنشینی در ۵ منطقه شهری متمرکز

۱. دانش‌آموزان کلاس هشتم عربستانی در آزمون اخیر TIMSS (Trends in International Mathematics and Science Study in mathematics) در سال ۲۰۱۱، میانگین نمره ۳۹۴ را به دست آوردند. این درحالی است که متوسط نمره مورد قبول این آزمون ۵۰۰ است و نمرات پایین‌تر از ۴۴۰، ضعیف تلقی می‌شوند. برگرفته از گزارش « چگونه نظام‌های آموزشی برتر دنیا، وضعیت خود را بهبود می‌دهند » مک‌کنزی و کمپانی (McKinsey & Company)، ۲۰۱۰.
۲. سازمان سلامت جهانی، فدراسیون بین‌المللی دیابت.
۳. جهان شهری: جانمایی قدرت اقتصادی شهرها، مؤسسه جهانی مک‌کنزی، مارس ۲۰۱۱.

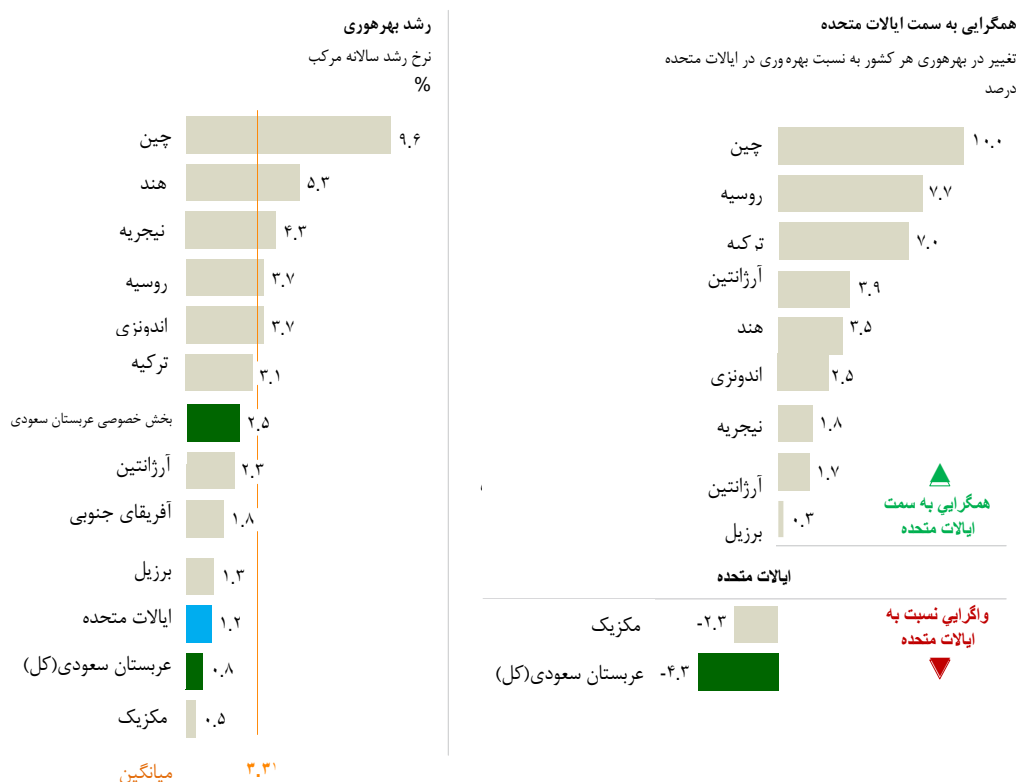
شده است که شهرهای جده، مکه، طائف، در حاشیه دریای سرخ قرار دارند و با جمعیت ۷ میلیونی، بزرگ‌ترین منطقه را تشکیل داده‌اند. ریاض، پایتخت عربستان، دارای جمعیت ۶ میلیون نفری است. بخشی از پیشرفت‌های حکومت پادشاهی عربستان که در این بازه زمانی رخ داده است، نسبت به تحولات حوزه کلان، کمتر ملموس بوده است. مشارکت زنان سعودی در بازار نیروی کار افزایش پیدا کرده است (اگر چه این افزایش، از سطح بسیار پایینی آغاز شده است) و در سال ۲۰۱۴ به رقم ۱/۲ میلیون نفر رسیده است؛ یعنی ۱۸ درصد از جمعیت زنان در سن کار. از این تعداد، ۸۰۰ هزار نفر شاغل هستند. این رقم، دو برابر تعداد زنان شاغل در دهه گذشته یعنی سال ۲۰۰۳ است. سریع‌ترین رشد اشتغال زنان در بخش خصوصی به وقوع پیوست که بخشی از این رشد اشتغال ناشی از مدیریت دولت بود؛ به طوری که دولت با اعمال فشارهایی، زنان را به سمت نوع خاصی از اشتغال و به طور خاص خرده‌فروشی، سوق داد.^۱ با این حال، نرخ بیکاری زنان ۳۳ درصد است و نرخ مشارکت زنان، جوانان (۱۵ درصد) و سالمندان (۳۵) بسیار کمتر از نرخ مشارکت مردان بزرگسال است (۶۵ درصد). مهم‌ترین چالش‌ها و موانعی که باعث شده است نرخ مشارکت و اشتغال زنان افزایش پیدا نکند عبارتند از محدودیت‌های مربوط به فضای کاری مختلط و رانندگی زنان.

نقش محدود زنان، تنها جنبه نامتعارف بازار نیروی کار عربستان نیست. کارگران خارجی که عمدتاً از کشورهای هند، پاکستان و بنگلادش هستند، بیش از نیمی از نیروی کار عربستان را تشکیل می‌دهند. عمده آنها کارگران غیرماهر هستند و دستمزد آنها بسیار کمتر از اتباع عربستان است؛ دستمزد متوسط ماهیانه ۴۰۰ دلاری این کارگران، کمتر از یک سوم دستمزد ماهیانه اتباع عربستانی شاغل در بخش خصوصی است و کمتر از یک‌ششم میانگین درآمد کارمندان بخش دولتی است. یکی از پیامدهای شیوه پرداخت موجود، بهره‌وری پایین نیروی کار در عربستان بر اساس آمارها و داده‌هاست. رشد سالیانه بهره‌وری در بازه زمانی ۲۰۰۳ الی ۲۰۱۳، تنها ۰/۸ درصد بوده است که به صورت قابل توجهی کمتر از ۳/۳ درصد یعنی میانگین سالیانه نرخ رشد بهره‌وری دیگر اقتصادهای عضو گروه ۲۰ است (نمودار ۲) با این فرض که ایالات متحده آمریکا، سرآمد همه کشورها در مقوله بهره‌وری است، باید اذعان کرد که نه تنها عربستان سعودی شکاف بهره‌وری خود با آمریکا را کاهش نداده است، بلکه این شکاف به مراتب بزرگ‌تر شده است.

۱. رسانه‌های سعودی مواردی از پلمب فروشگاه‌ها را گزارش کرده‌اند که دلیل آن، امتناع از به کار گرفتن زنان بوده است؛ برای مثال، عرب نیوز، «۹۰ مزون لباس عروس به دلیل عدم به‌کارگیری زنان، پلمب شدند»، ۸ ژوئن ۲۰۱۵.



نمودار ۲. رشد بهره‌وری در عربستان سعودی نسبت به دیگر اقتصادهای نوظهور کمتر است و در جایگاهی پایین‌تر از ایالات متحده آمریکا قرار دارد



مأخذ: پایگاه داده اقتصاد هیئت مدیره کنفرانس، مرکز آمار و اطلاعات، وزارت اقتصاد و برنامه‌ریزی سعودی، تحلیل‌های مؤسسه جهانی مک‌کنزی.

۱. میانگین غیرموزون همه اقتصادهای نوظهور گروه ۲۰ به علاوه نیجریه.

به‌رغم افزایش چشمگیر تعداد شغل‌های ایجاد شده در دهه گذشته، بیکاری اتباع سعودی در حال حاضر در حدود ۱۲ درصد است^۱. بخشی از این معضل ناشی از حمایت‌های سخاوتمندانه خانوادگی و اعانه‌های بیکاری است به طوری که این پرداخت‌ها، می‌تواند به مبلغی حدود دوسوم حداقل حقوق دولتی برسد؛ در نتیجه انگیزه‌ای برای جستجوی کار باقی نمی‌ماند.

۲. چالش‌های امروز: بازار انرژی در حال تحول و افزایش ناگهانی جمعیت

بعد از دهه رفاه و تغییر، اکنون اقتصاد عربستان با دو چالش اساسی مواجه است که در نتیجه آنها، منابع نفتی و مالی این کشور، دچار یک آزمون خواهند شد. اولین چالش، خارجی است و به رگ حیاتی اقتصاد عربستان یعنی نفت مرتبط می‌شود. بازار نفت که نزدیک به یک دهه رونق را تجربه کرد، اکنون پرنوسان

۱. دپارتمان مرکزی آمار و اطلاعات، وزارت اقتصاد و برنامه‌ریزی عربستان سعودی.

است. در بازه زمانی نیمه دوم سال ۲۰۱۴، قیمت نفت حدود ۵۰ درصد کاهش یافت و نهادهای پیش‌بینی‌کننده مختلفی از جمله آژانس بین‌المللی انرژی، به سناریوهایی دست یافته‌اند که بر اساس آنها می‌توان گفت که چشم‌انداز بازار جهانی انرژی رقابتی‌تری در بازه زمان کوتاه‌مدت و میان‌مدت متصور است. سرمایه‌گذاری جهانی در نفت در حال افزایش است و منابع جدید عرضه انرژی نظیر انرژی‌های تجدیدپذیر و نفت شیل آمریکا در کنار تکنولوژی‌های متنوع و مخرب در بخش انرژی، همه و همه نشان از رقابت گسترده‌تر بر روی کلیدی‌ترین کالای صادراتی و منبع درآمدی حکومت عربستان دارد.

آثار این تحولات بازار، در حال حاضر نیز احساس شده است؛ بودجه عربستان سعودی، با کاهش عایدی‌های حاصل از صادرات نفت، از مازاد ۶/۵ درصدی نسبت به تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۱۳ به کسری ۲/۳ درصدی در سال ۲۰۱۴ رسید. صندوق بین‌المللی پول، با فرض پایداری قیمت نفت در سطوح پایین، پیش‌بینی کرده است که در آینده نزدیک، کسری مالی حکومت همچنان ادامه خواهد داشت و در سال ۲۰۱۵، این کسری چیزی حدود ۲۲ درصد تولید ناخالص داخلی تخمین زده شده است. در مدل ما، فرض بر این است که مشابه آنچه در نمودارهای پیش‌بینی قیمت نفت از اکتبر ۲۰۱۵ ترسیم شده است، قیمت هر بشکه نفت، به تدریج به کانال ۶۰ دلاری باز خواهد گشت و بعد از سال ۲۰۱۶، تولید نفت ثابت خواهد بود (برای بررسی جزئیات بیشتر راجع به فروض، به ضمیمه فنی در انتهای گزارش تفصیلی مراجعه کنید).

چالش دوم داخلی است و به جمعیت کشور و وضعیت آینده اشتغال اتباع سعودی مربوط می‌شود. بیشتر از نصف جمعیت عربستان را جوانان کمتر از ۲۵ سال تشکیل می‌دهند و تا سال ۲۰۳۰، تعداد سعودی‌های ۱۵ ساله و بیشتر، افزایش سریعی خواهد داشت و به حدود ۶ میلیون نفر می‌رسد.^۱ بر اساس روندهای تاریخی نرخ مشارکت، تخمین زده می‌شود که افزایش ناگهانی جمعیتی پیش‌رو، باعث خواهد شد که تا سال ۲۰۳۰، حداقل ۴/۵ میلیون نیروی کار سعودی جدید به بازار نیروی کار اضافه شود. این امر باعث خواهد شد که اندازه بازار نیروی کار دو برابر شود و به حدود ۱۰ میلیون نفر برسد و البته چنانچه نرخ مشارکت زنان، بیشتر از روندهای پیش‌بینی شده افزایش یابد، اندازه بازار نیروی کار، باز هم بزرگ‌تر خواهد شد. جذب کامل این هجوم عظیم به بازار نیروی کار، مستلزم فراهم آوردن مشاغل جدید به میزان سه برابر تعداد شغل‌هایی است که در بازه وفور درآمدهای نفتی در بازه ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۳ توسط حکومت عربستان ایجاد شد.

همچنین، بالارفتن میانگین سنی باعث خواهد شد که تعداد افراد نیازمند حمایت افزایش یابد؛ در نتیجه تقاضا برای نظام سلامت و تأمین مالی این بخش افزایش می‌یابد.

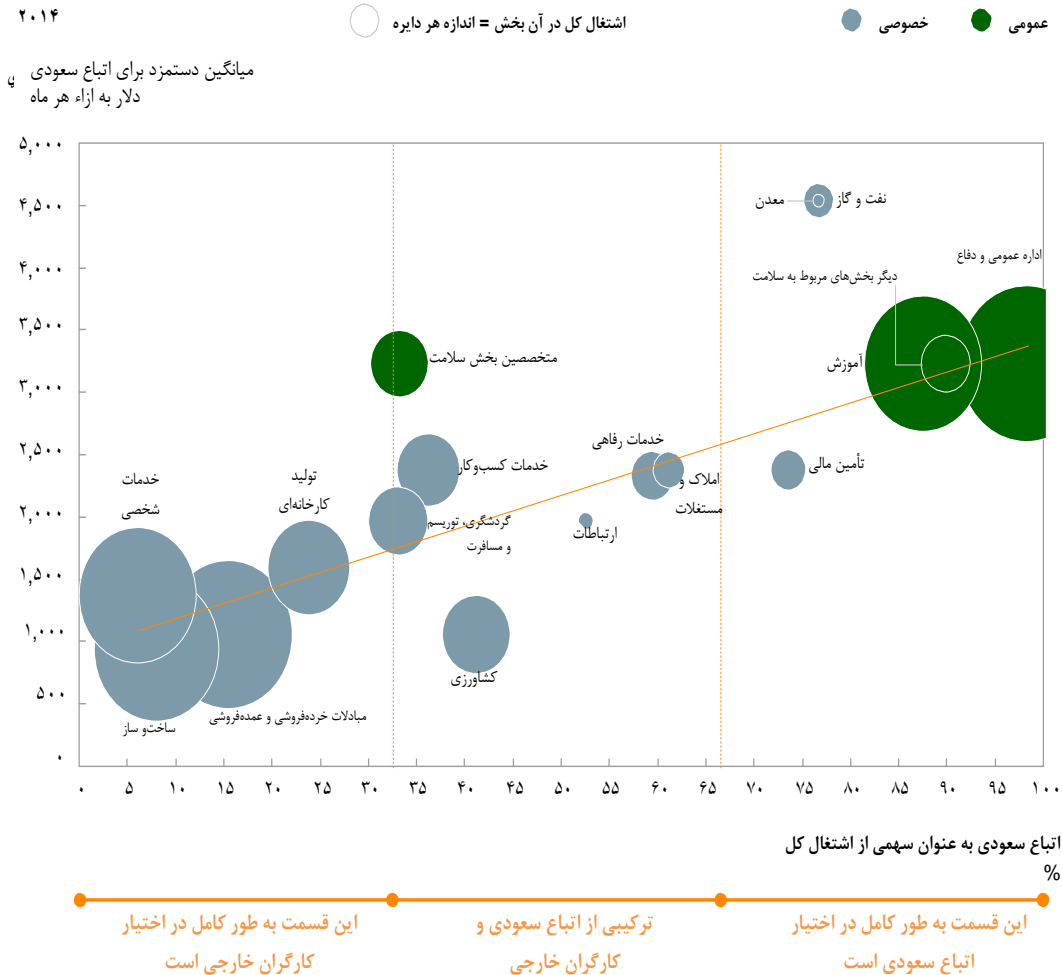
این تغییرات جمعیتی در حالی رخ می‌دهد که در کشور عربستان بازار نیروی کار دوگانه حاکم است؛ درآمدهای سطح بالا برای اتباع سعودی و عمدتاً در مشاغل دولتی و از طرف دیگر درآمدهای پایین

۱. در آمارهای رسمی وزارت اقتصاد و برنامه‌ریزی عربستان، جمعیت در سن کار شامل افراد بین ۱۵ سال تا ۵۹ سال می‌شود.



برای کارگران خارجی که اکثراً در بخش خصوصی مشغول به کار هستند. عملکرد حکومت عربستان در کمک به ایجاد مشاغل خصوصی برای اتباع عربستانی، ضعیف بوده است؛ این عملکرد؛ فارغ از روندهای پیش‌بینی شده قیمت نفت در آینده، مهمترین چالش و البته فرصت عربستان خواهد بود (نمودار ۳). این دو چالش در کنار یکدیگر، مهمترین عامل تهدیدکننده مدل توسعه فعلی هستند. مدل اقتصادی ما نشان می‌دهد که اگر دولت با هدف جلوگیری از کسری بودجه، مخارج دولتی را در مقادیر اسمی فعلی ثابت نگه دارد و از طرف دیگر، با هدف جلوگیری از افزایش نرخ بیکاری، هجوم کارگران خارجی به داخل کشور را محدود کند، باز هم باید گفت که این اقدامات انفعالی، قادر نخواهند بود که استاندارد زندگی فعلی را برای سعودی‌ها حفظ کنند و یا تأمین مالی دولتی را رونق ببخشند. تخمین‌ها حاکی از این واقعیت هستند که حتی اگر فرض کنیم که در ۸۰۰ هزار شغل با درآمد پایین، اتباع سعودی جایگزین نیروی کار خارجی شوند، باز هم طبق این سناریو، تا سال ۲۰۳۰، باید ۳ میلیون شغل برای اتباع سعودی ایجاد شود؛ این محاسبات نشان می‌دهد که حداقل ۱/۵ میلیون شغل، کمبود وجود دارد و نرخ بیکاری برای اتباع سعودی بیشتر از ۲۰ درصد خواهد شد. یکی از عواقب چنین رخدادی این خواهد بود که درآمد واقعی خانوار سعودی ۲۰ درصد کاهش خواهد یافت.

نمودار ۳. عربستان سعودی دارای بازار نیروی کار دوگانه است به طوری که اتباع سعودی در بخش دولتی و با درآمد بالاتر مشغول هستند و افراد غیرسعودی در بخش‌های خصوصی و با درآمدهای پایین‌تری مشغول به کار هستند



مأخذ: همان.

این سناریو، به نوبه خود، دلالت‌های قابل توجهی راجع به پایداری نظام مالی حکومت عربستان خواهد داشت. دولت، ذخایر مالی بسیار مستحکمی را فراهم آورده است که رقم آن چیزی حدود ۱۰۰ درصد تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۱۴ و یا دو برابر اندازه ذخایر روسیه، به ارزش دلاری است.^۱ لذا می‌توان گفت که ارزش دارایی‌های دولت عربستان با احتساب ذخایر، حدود ۱/۴ تریلیون دلار است؛ این دارایی‌ها شامل سهام‌های گسترده شرکت‌هایی با مدیریت دولتی می‌شوند که ارزش آنها در حال حاضر، حدود یک‌سوم ارزش کل بازار سهام ملی است. با وجود این، عدم اقدام مناسب، برای اقتصاد و دولت، گران تمام خواهد شد. تخمین ما این است که تا سال ۲۰۳۰، به واسطه هزینه‌های عملیاتی بالا و همچنین

۱. آژانس مالی عربستان سعودی؛ آمارهای بانک جهانی راجع به کل ذخایر در سال ۲۰۱۴.



کاهش درآمدهای نفتی، هزینه اضافی دولت به ازای هر سال تأخیر در اجرای برنامه تحول، مبلغی حدود ۱۹۰ میلیارد ریال سعودی یا ۵۰ میلیارد دلار خواهد بود؛ به بیان دیگر، نتیجه چنین تأخیری، این خواهد بود که نقطه سر به سر^۱ قیمت نفت برای دولت در سال ۲۰۳۰، به ۱۸ دلار به ازای هر بشکه خواهد رسید.^۲ چنانچه اصلاحات جامعی انجام نشود، حکومت عربستان با خالص بدهی انباشته حدود ۱۴۰ درصد تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۳۰ مواجه خواهد شد و کسری مالی بسیار گسترده‌ای را تجربه خواهد کرد. نتایج فوق با این فرض استخراج شده‌اند که مخارج دولتی در سطوح فعلی (آن هم با مقادیر اسمی و نه واقعی) تا سال ۲۰۲۰ ثابت نگه داشته شود؛ به این معنا که تا سال ۲۰۳۰ نه تنها مخارج دولتی نباید افزایش پیدا کند، بلکه به صورت واقعی، باید روندی کاهشی را طی کند؛ به طوری که مقادیر آن از ۴۰ درصد تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۱۴ به ۳۰ درصد تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۳۰ کاهش یابد.

۳. فرصت ۴ تریلیون دلاری سرمایه‌گذاری

این پیامدها، یک نتیجه‌گیری قطعی و غیرقابل پیشگیری نیستند؛ راه دیگری نیز وجود دارد. عربستان سعودی طی ۱۴ سال آینده تا ۲۰۳۰ به طور بالقوه این قابلیت را دارد که تولید ناخالص داخلی را مجدداً دو برابر کند، درآمد واقعی خانوار سعودی را حدود ۶۰ درصد افزایش دهد و رقمی حدود ۶ میلیون شغل جدید برای سعودی‌ها ایجاد کند. افزایش تولید ناخالص داخلی در حدود ۸۰۰ میلیارد دلار، برابری می‌کند با اضافه کردن معادل یک اقتصاد ترکیه به عربستان و یا سه اقتصاد فنلاند. بیکاری به حدود ۷ درصد کاهش پیدا خواهد کرد (نمودار ۴). در این گزارش، پیامدهایی که برای خانوارهای سعودی متصور است، پیش‌بینی شده است. در این کشور، اندازه و ماهیت بازار نیروی کار تا حد زیادی قابل تغییر است و بیشتر کارگران غیربومی به صورت دائمی در کشور سکنی نمی‌گزینند. از این رو طرح‌ریزی در راستای ایجاد بهبود در استانداردهای زندگی و درآمد آنها، بسیار دشوار و نیازمند اجرای سیاست‌های دقیق است. نتیجه چنین تغییراتی این خواهد بود که فضای کلی بازار نیروی کار کارآمدتر شده، دستمزدها افزایش پیدا می‌کند و شرایط کار نیز بهبود می‌یابد؛ در نتیجه تغییرات یاد شده، نه تنها سعودی‌ها منفعت می‌برند، بلکه کارگران خارجی نیز منتفع خواهند شد.

این تحول^۳، اقتصاد عربستان را از وابستگی سنگین به نفت نجات خواهد داد: طبق این سناریو، سهم درآمدهای غیرنفتی از ۱۰ درصد کل درآمدهای دولت به حدود ۷۰ درصد می‌رسد. این تحول، به صورت بنیادین، جایگاه غالب بخش دولتی را در جامعه تقلیل می‌دهد به طوری که دستمزد کارمندان بخش خصوصی از ۱۹ درصد از کل درآمد خانوار به ۵۸ درصد خواهد رسید.

1. Break-even Price

۲. هزینه اضافی این‌گونه محاسبه شده است: تغییر تدریجی در تراز مالی بین سال‌های ۲۰۲۹ الی ۲۰۳۰ در سناریو طرفیو، حداکثری منهای تغییر تدریجی شاخص مورد نظر در سناریو سیاستی منفعلانه در همان بازه زمانی.

۳. مشخصات و سازوکار این تحول (Transformation) در مباحث آتی بیان خواهد شد.

دستیابی به چنین رشدی محقق نخواهد شد مگر با سرعت بخشیدن به رشد بهره‌وری در ترکیب با نرخ بالا و باثبات سرمایه‌گذاری. این دو عامل به صورت توأمان، باعث خواهند شد که بخش خصوصی غیرنفتی، به صورت کاملاً مستحکم توسعه یابد. تخمین ما این است که سرمایه‌گذاری مورد نیاز، رقمی حدود ۴ تریلیون دلار است. این سطح از سرمایه‌گذاری، تقریباً سه برابر سرمایه‌گذاری صورت گرفته در اقتصاد عربستان طی سال‌های وفور درآمدهای نفتی ۲۰۰۳ الی ۲۰۱۳ است؛ همچنین سرمایه‌گذاری در دهه وفور درآمدهای نفتی نیز سه برابر دهه پیش از آن بوده است. با توجه به پیش‌بینی رقم ۴ تریلیون دلاری سرمایه‌گذاری مورد نیاز تا سال ۲۰۳۰، لازم به ذکر است که قسمت عمده این سرمایه‌گذاری از طریق منابع غیردولتی که شامل سرمایه‌گذاران سعودی و خارجی است، تأمین خواهد شد.

اگرچه بخش خصوصی غیرنفتی در ساختار اقتصادی عربستان جایگاه کوچکی دارد، اما به صورت بالقوه این ظرفیت را دارد که رشد اقتصادی را تا حد زیادی تحریک کرده و افزایش دهد. در بازه زمانی ۲۰۰۳ الی ۲۰۱۳ اگرچه بخش خصوصی، از مقادیر بسیار اندکی کار خود را آغاز کرد، اما نسبت به کل اقتصاد عملکرد بهتری از خود نشان داد. این بخش، سالیانه ۱۰ درصد به‌طور متوسط رشد کرد که نسبت به رشد ۶ درصدی تولید ناخالص داخلی کل اقتصاد بسیار سریع‌تر بود. این رشد بیشتر حاصل عملکرد بخش‌های مبتنی بر مصرف بود؛ نظیر حمل‌ونقل، ارتباطات، مبادلات خرده‌فروشی و عمده‌فروشی و خدمات کسب‌وکار که سریع‌ترین رشد را داشت. نرخ رشد بهره‌وری بخش خصوصی غیرنفتی، سالیانه به‌طور میانگین ۲/۵ درصد بود که بسیار بیشتر و سریع‌تر از دیگر اجزای اقتصاد بود. بخش‌هایی نظیر ساخت‌وساز، درخشان‌ترین عملکرد را از خود به نمایش گذاشتند. از هم اکنون تا سال ۲۰۳۰، در این اقتصاد، فرصت‌هایی برای قوت بخشیدن به رشد اقتصادی غیرنفتی وجود دارد. در این گزارش، ۸ بخش اقتصادی که بر اساس تحلیل‌ها، بیشترین ظرفیت را برای رشد دارا هستند و می‌توانند در راستای دو برابرسازی تولید ناخالص داخلی تا سال ۲۰۳۰، بیش از ۶۰ درصد رشد را به دوش بکشند، معرفی شده‌اند؛ معدن و فلزات، پتروشیمی، تولید صنعتی، مبادلات خرده‌فروشی و عمده‌فروشی، صنعت گردشگری، خدمات درمانی، تأمین مالی و ساخت‌وساز.



نمودار ۴. در مواجهه با شرایط چالشی موجود، عربستان سعودی همچنان این قابلیت را خواهد داشت که طبق سناریو پتانسیل حداکثری، تولید ناخالص داخلی را تا سال ۲۰۳۰ دو برابر مقدار فعلی کند

مهمترین نتایج در سال ۲۰۱۴ و ۲۰۳۰ (قیمت هر بشکه نفت خام ۶۰ دلار فرض شده است)
 ۲۰۱۲ (قیمت هر بشکه نفت خام ۶۰ دلار فرض شده است)

	وضعیت حکومت در سال ۲۰۱۴	تغییر منفعلانه سیاست‌ها	پتانسیل حداکثری
 تولید ناخالص داخلی واقعی	۸۰۰ میلیارد دلار	۱۲۰۰ میلیارد دلار ۱.۵ برابر وضعیت موجود نرخ رشد سالانه مرکب ۳ درصدی	۱۶۰۰ میلیارد دلار ۲ برابر وضعیت موجود نرخ رشد سالانه مرکب ۴.۵ درصدی
 درآمد ماهیانه واقعی خانوار	۳۸۰۰ میلیارد دلار	۳۰۰۰ میلیارد دلار -۲۰٪	۶۰۰۰ میلیارد دلار +۶۰٪ ^۲
 اتباع سعودی بیکار نرخ بیکاری ^۱	۶۶۰.۰۰۰ ۱۲٪	۲۲۰.۰۰۰ ۲۲٪	۸۰۰.۰۰۰ ۷٪
 خالص دارایی‌های مالی نقدشونده دولت ^۲	+۹۰۰ میلیارد دلار	-۲ تریلیون دلار	-۶۰۰ میلیارد دلار
 سهم از تولید ناخالص داخلی	۱۲۰٪	-۱۴۰٪	-۳۰٪
 تراز مالی سالانه سهم از تولید ناخالص داخلی	-۱۷ میلیارد دلار -۲,۳٪	-۱۷۰ میلیارد دلار ^۴ -۱۲٪	+۴۰ میلیارد دلار ^۴ +۳٪

مأخذ: تحلیل‌های مؤسسه جهانی مک‌کنزی.

- در اینجا صرفاً اتباع سعودی مد نظر می‌باشند و افراد خارجی شامل این داده‌ها نمی‌شوند.
- پس از اخذ مالیات‌هایی که متصور هستند (افزایش این داده، قبل از اخذ مالیات ۸ درصد است).
- دارایی‌های ذخیره‌ای به علاوه سهام‌های متعلق به دولت در بازار سرمایه منهای بدهی ناخالص (تا سال ۲۰۱۴) منهای کسری مالی تجمعی بین سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۳۰.
- چنانچه دولت تصمیم بگیرد که کسری‌های مالی را از طریق ابزارهای بدهی تأمین مالی کند، پرداخت‌های بهره مستثنا می‌شوند.

معادن و فلزات: در بخش غربی شبه جزیره عربستان ذخایر گسترده‌ای از فلزات و معادن غیرفلزی شامل منابع فسفات، طلا، روی، بوکسیت و سیلیس با کیفیت، سنگ گچ، سنگ آهک، خاک چینی و مگنیزیت قرار دارد. موارد فوق‌الذکر، فرصت توسعه بخش منابع و بخش ساخت‌وساز را به صورت توأمان برای حکومت به وجود آورده‌اند. در حال حاضر، اگرچه کشور دارای ذخایر غنی است، ولی توسعه بسیار اندکی در بخش معادن و فلزات انجام شده است؛ تولید ناخالص داخلی ترکیبی حاصل از استخراج و تولید این منابع زیرزمینی، معادل رقمی حدود ۳ درصد از کل تولید ناخالص داخلی عربستان است.

تخمین زده می‌شود که بخش معدن و فلزات، از حیث ارزش افزوده این قابلیت را دارد که سه برابر مقدار فعلی شود و حدود ۵۰۰ هزار شغل برای سعودی‌ها ایجاد کند. توسعه چنین صنعتی، مستلزم این است که سرمایه‌گذاری بسیار بیشتری در اکتشاف انجام شود و یک فضای رقابتی ایجاد شود؛ به طوری که در این فضای رقابتی، هم بخش خصوصی و هم بخش دولتی بتوانند پیشرفت کنند.

پتروشیمی: این بخش هم‌اکنون دوسوم صادرات غیرنفتی را تأمین می‌کند و بخش پتروشیمی عربستان سعودی دارای جایگاه رقابتی در بازارهای جهانی است. شرکت صنایع زیربنایی سعودی^۱ که ۷۰ درصد آن در مالکیت دولت است، یکی از ۵ شرکت اول جهانی در بخش مواد شیمیایی است؛ همچنین از ۲۰ مجتمع بزرگ تولید اتیلن در جهان، ۴ عدد آن در عربستان واقع شده است. تخمین ما این است که از طریق کاهش ناکارآمدی‌های فعلی، یکپارچه‌سازی گسترده‌تر بخش پالایش و بخش پتروشیمی و در نهایت، سرمایه‌گذاری در نوآوری با هدف تولید محصولات دارای حاشیه سود بیشتر، این ظرفیت وجود دارد که تولید ناخالص داخلی این بخش به حدود ۳۰ میلیارد دلار برسد و هزاران شغل جذاب و مبتنی بر مهارت بالا در زمینه‌های تحقیقات، مهندسی و مدیریت ایجاد شود.

تولید صنعتی: کشور عربستان سعودی یک بازار بزرگ برای مجموعه گسترده‌ای از کالاهای صنعتی از جمله خودرو، دستگاه‌های الکترونیکی و مکانیکی است. در حال حاضر، نیازهای کشور عربستان در این زمینه‌ها، همچون دیگر کشورهای منطقه، از جهان خارج تأمین می‌شود. در بخش تولیدات صنعتی، فرصتی برای عربستان متصور است؛ به این صورت که از طریق استفاده بیشتر از منابع طبیعی و برپایه اندازه نسبتاً بزرگ بازار داخلی، سهم بیشتری از تقاضای داخلی و همچنین بخشی از نیاز منطقه را تأمین کند. تا به امروز نیز بعضی شرکت‌های خصوصی شروع به تولید محصولات شرکت‌های بین‌المللی نظیر ایسوزو در داخل خاک عربستان کرده‌اند به طوری که در سال ۲۰۱۲، کارخانه مونتاژ این محصول شروع به کار کرد. دستیابی و تضمین رقابت‌پذیری در این بخش الزاماتی دارد که عبارتند از نیروی کار ماهر و کارآمد، مصونیت حقوقی و محافظت از سرمایه‌گذاری و رفع موانعی که برای کسب‌وکارها دست و پاگیر هستند از جمله تعرفه بالای وارداتی، رویه‌های عریض و طولیل مربوط به گمرک و ویزا و در نهایت شکاف‌های موجود در زنجیره عرضه داخلی.

مبادلات خرده‌فروشی و عمده‌فروشی: به موازات جایگزینی سیستم‌های سنتی با روش‌های خرده‌فروشی مدرن و آنلاین، این قابلیت وجود دارد که بخش خرده‌فروشی در عربستان سعودی رونق فراوانی پیدا کند. به طور کلی تخمین زده می‌شود که در ۱۵ سال آینده، بخش خرده‌فروشی و عمده‌فروشی، ظرفیت ایجاد ۸۰۰ هزار شغل جدید برای اتباع عربستانی و ارزش افزوده سه برابری را دارا خواهند بود. در دهه گذشته، افزایش درآمد خانوار عامل تحریک‌کننده رشد سریع خرده‌فروشی بوده

1. Saudi Basic Industries Corporation (SABIC)



است به طوری که در این مدت، نرخ رشد سالیانه خرده‌فروشی، ۱۲ درصد بیان شده است. اگرچه در حال حاضر بخش اعظمی از بازار نیروی کار عربستان، متشکل از کارگران خارجی با دستمزد پایین است اما باید دانست که تعداد شهروندان سعودی که در بازه زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴ وارد بخش خرده‌فروشی شده‌اند، دو برابر شده است. این بخش همان جایی است که به‌طور خاص، زنان سعودی توانستند براساس قوانین وزارت کار، مشغول به کار شوند به طوری که تعداد زنان شاغل در این بخش از ۱۰ هزار نفر در سال ۲۰۱۰ به ۱۲۰ هزار نفر در سال ۲۰۱۴ رسید. این رخداد نشان از آن دارد که دولت عربستان سعودی، با ایجاد مشوق‌هایی سعی کرده است که بخش‌های خرده‌فروشی مربوط به زنان نظیر فروش لباس زنانه و لوازم آرایشی و بهداشتی را در اختیار بانوان و اتباع عربستانی قرار دهد. انجام اقداماتی نظیر استفاده از روش‌های مدرن خرده‌فروشی، انتقال سریع از روش‌های فروش سنتی به روش‌های فروش آنلاین، استفاده از بهترین روش ممکن^۱ در تجارت از جمله بهره‌وری در زنجیره عرضه (مثلاً استفاده بیشتر از ماشین‌آلات خودکار در انبارداری) باعث خواهد شد که بهره‌وری و رشد به‌شدت بهبود یابد.

گردشگری: عربستان سعودی هر ساله ۱۰ تا ۱۳ میلیون زائر مسلمان برای زیارت اماکن مقدسه در مکه و مدینه به سمت خود جذب می‌کند که دو میلیون نفر آنها در موسم حج سالیانه به این کشور می‌آیند. اما به‌طور کلی باید گفت که صنعت توریسم رو به نزول است.^۲ در بازه زمانی ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۲، به دلیل ترجیح سعودی‌ها نسبت به مسافرت و گردش خارج از کشور، حجم بازدیدکننده از عربستان، ۳۱ درصد کاهش پیدا کرده است. شاید یکی از دلایل دلسردی بازدیدکنندگان بین‌المللی نسبت به سفر به عربستان، فرآیند طاقت‌فرسای اخذ ویزا است. ما این را یک فرصت تلقی می‌کنیم که روند مذکور معکوس شود و صنعت گردشگری بسیار پررونق تفریحی برپایه بخش خصوصی و به‌طور مشابه، برای اتباع سعودی و خارجی‌ها، فراهم آید؛ این صنعت می‌تواند از مزیت‌های عربستان نظیر خط ساحلی طولانی دریای سرخ، گنجینه غنی آثار باستان‌شناسی و مناظر طبیعی بهره‌بردار. توریسم مذهبی نیز این قابلیت را دارد که در سطح گسترده‌تری توسعه یابد و هر ساله، خارج از ایام مخصوص حج (اوج سفر برای حج واجب) به ده‌ها میلیون زائر خدمت‌رسانی کند. توسعه توریسم، اعم از تفریحی و مذهبی، مستلزم تأمین امکانات با کیفیت، خدمات و امنیت بهتر و درنهایت پذیرش بیشتر گردشگران خارجی است. بخش گردشگری، به‌صورت بالقوه این ظرفیت را دارد که حدود ۱/۳ میلیون نفر دیگر از اتباع سعودی را به کار بگیرد و ارزش‌افزوده بیشتر از پنج برابری را فراهم آورد.

خدمات درمانی: در بازه زمانی وفور درآمدهای نفتی، بخش خدمات درمانی بزرگترین برنده مخارج

۱. بهترین روش ممکن (Best Practice): عبارت است از مجموعه دستورالعمل‌ها، آیین‌نامه‌ها و ایده‌هایی که مجموعه یا شرکت را به سمت کارآمدترین یا محتاطانه‌ترین اقدامات رهنمون می‌کند. بهترین روش ممکن معمولاً از طریق یک مقام معتبر و با توجه به شرایط موجود، به سیستم پیشنهاد و دیکته می‌شود.
۲. توضیح مترجم: به نظر می‌آید که توریسم مذهبی و یا به اصطلاح تقاضا برای «حج تمتع و عمره» در آینده روند نزولی نخواهد داشت؛ مگر اینکه تنش‌های مذهبی و سنگ‌اندازی‌های سیاسی باعث شود که دولت‌ها از اعزام کاروان‌های مردمی به عربستان سعودی خودداری کنند.

دولتی بود به طوری که ساخت و ساز گسترده‌ای از جمله ساخت ۸۱ بیمارستان جدید در زیرساخت‌های درمانی انجام شد. با توجه به روندهای پیش‌بینی شده تا سال ۲۰۳۰ مبنی بر افزایش تعداد سعودی‌های بالاتر از ۶۵ سال، حکومت عربستان باید همچنان سرمایه‌گذاری‌های گسترده‌ای را در بخش خدمات درمانی ادامه دهد. در این بخش سه چالش اساسی وجود دارد که در عین حال فرصت نیز هستند:

۱. سطح پایین و غیربهبوده بهره‌وری و تأمین مالی که البته این نقیصه به صورت کاملی توسط بخش خصوصی قابل پوشش است.

۲. نیروی کار بخش خدمات درمانی به گونه‌ای سامان نیافته است که بتواند از عهده شیوع روبه‌رشد بیماری‌های غیرواگیر نظیر دیابت برآید.

۳. نیاز رو به تزاید پزشک، پرستار، داروساز و دیگر مشاغل حرفه‌ای مرتبط. در حال حاضر، تنها یک سوم از متخصصان حوزه خدمات درمانی از اتباع سعودی هستند و تعداد فارغ‌التحصیلان رشته پزشکی برای جایگزینی متخصصانی که بازنشسته می‌شوند یا شغل خود را ترک می‌کنند، کفایت نمی‌کند؛ در این شرایط پست‌های جدید بدون متصدی باقی می‌ماند. در راستای معکوس‌سازی این روند، باید گفت که عوامل متعددی نیاز است تا اولاً ادراک عمومی نسبت به مشاغل مرتبط با خدمات درمانی بهبود یابد و ثانیاً ظرفیت آموزشی در دانشکده‌ها، دانشگاه‌ها و بیمارستان‌های کاملاً مجهز و با کارکرد آموزشی فراهم شود.

تأمین مالی: در راستای ایجاد رشد اقتصادی در بخش خصوصی و همچنین کمک به شرکت‌های خصوصی با هدف گسترش قابل توجه حوزه فعالیت خود، بخش تأمین مالی، نقش اساسی را ایفا می‌کند. در حال حاضر ظرفیت زیادی برای گسترش وام‌دهی به کسب و کارهای کوچک و متوسط و همچنین تأمین منابع مالی برای خانوارها (از جمله وام‌های رهنی و وام‌های سرمایه‌گذاری) وجود دارد. خانوارها می‌توانند به صورت غیرمستقیم، از طریق پس‌اندازهای خود، نقش مهمی در تأمین مالی نیازهای بزرگ سرمایه‌گذاری کشور ایفا کنند.

ساخت و ساز: هشتمین بخش، ساخت و ساز است؛ در طی یک دهه گذشته حکومت عربستان، زیرساخت‌های خود را توسعه داده است و این امر باعث شده است که ساخت و ساز در این کشور رشد کند. در ۱۵ سال آینده، می‌بایست سرمایه‌گذاری‌های بزرگ بیشتری که عمدتاً توسط بخش خصوصی تأمین می‌شود، برای پاسخ دادن به تقاضای مداوم ساخت و ساز، به این بخش تزریق شود. در راستای کارآمد ساختن سرمایه‌گذاری‌ها، الزاماتی وجود دارد که عبارتند از: ایجاد بهره‌وری بیشتر در بخش ساخت و ساز، اتخاذ روش‌های جدید و بهبود مدیریت عملیاتی با هدف تحویل پروژه در موعد مقرر و در سقف بودجه مشخص شده. در حال حاضر، بیش از ۹ نفر از ۱۰ نفر کارگر در این بخش، از غیرعربستانی‌ها هستند. چنانچه چالش فعلی سعودی‌ها نسبت به کارگران بخش ساخت و ساز به خوبی حل و فصل شود،



می‌توان انتظار داشت که بخش ساخت‌وساز، یک پیشران مهم برای اشتغال آینده سعودی‌ها باشد.

۴. تحول در اقتصاد از طریق افزایش بهره‌وری نیروی کار، فضای کسب‌وکار بهتر و مدیریت مالی پایدار و تاب‌آور

رشد اقتصاد بدون نفت کشور عربستان از حیث اندازه و بهره‌وری، به خودی خود حاصل نخواهد شد. این مطلوب زمانی حاصل خواهد شد که توسط سه رکن مهم حمایت و پشتیبانی شود.

رکن اول ایجاد فضای کار با بهره‌وری بیشتر و مشارکت بالاتر است به طوری که عربستان سعودی بتواند میزان تولیدات را در همه بخش‌ها افزایش دهد و برای نیروی کار گسترده جوان که از زمان فعلی تا سال ۲۰۳۰ وارد بازار کار می‌شوند، اشتغال مفید ایجاد کند. هم‌اکنون نیز نشانه‌هایی از این اقدامات مشاهده می‌شود. افزایش اشتغال و مشارکت زنان در بازار نیروی کار یکی از این موارد است. اگرچه در حال حاضر، نیاز اساسی این است که مردان، مشارکت بیشتری در بازار نیروی کار داشته باشند، اما تحلیل‌های ما نشان می‌دهد که بدون افزایش بیشتر در مشارکت زنان، رشد درآمد خانوار در عربستان سعودی محدود خواهد بود.

عدم تطابق بین مهارت‌های نیروی کار و هزینه به‌کارگیری آن، یکی از چالش‌های مهم است و حکومت باید راه‌چاره برای آن بیابد. بسیاری از انگیزه‌های پیرامون کار در کشور عربستان در تناقض با الزامات ایجاد نیروی کار کارآمدتر است: درآمد کارمندان بخش دولتی به‌طور متوسط ۷۰ درصد بیشتر از کارمندان بخش خصوصی است. اعانه بیکاری و پرداخت‌های انتقالی^۱ در مقام مقایسه با دستمزدها، مبالغ قابل توجهی هستند و بسیاری از کارفرمایان ترجیح می‌دهند به جای اتباع سعودی، مهاجران غیرماهر را به کار بگیرند چرا که هزینه‌های کارگران سعودی ۴ تا ۶ برابر مهاجران است.

طراحی نیروی کار کارآمد مستلزم بازبینی بنیادین در نظام آموزشی با هدف افزایش سطح استاندارد در مدارس، افزایش نسبت دوره‌های کارآموزی و در نهایت تضمین شیوه بهتر انتقال از تحصیلات به اشتغال برای دانشجویان است.

رکن دوم، ایجاد یک فضای اقتصادی و تنظیمی^۲ است که غیرمبهم، شفاف و مساعد برای کسب‌وکار باشد. این رکن، نقش اساسی را در راستای فراهم آوردن سرمایه‌گذاری‌های بزرگ مقیاس بخش خصوصی برای تأمین مالی تحول اقتصادی ایفا می‌کند. اقتصاد عربستان با الحاق به سازمان تجارت جهانی در سال ۲۰۰۵ و اعلان اخیر خود راجع به طرح‌هایی که براساس آن اجازه داده می‌شود ۱۰۰ درصد مالکیت در بخش خرده‌فروشی در اختیار خارجی‌ها قرار گیرد،^۳ گام‌هایی به سمت آزادسازی اقتصادی برداشته است.

1. Welfare Transfers

2. Regulatory

۳. «عربستان سعودی اجازه خواهد داد که در بخش خرده‌فروشی، ۱۰۰ درصد مالکیت در اختیار خارجی‌ها باشد»، رویترز، ۶ سپتامبر ۲۰۱۵.

اما این کشور برای افزایش جذابیت به‌عنوان یک مقصد سرمایه‌گذاری، می‌تواند کارهای بیشتری انجام دهد؛ اقداماتی نظیر تسهیل مقررات پیچیده، تسریع در رویه‌های گُند نظیر ترخیص کالا در گمرک و فرآیندهای اخذ ویزا، بهبود شرایط اعطای پروانه و در نهایت، اجرای حقوقی قراردادهای^۱ بسیاری از بخش‌های اقتصاد، از جمله کسب‌وکارهای مربوط به سلامت، نسبت به مشارکت خارجی‌ها بی‌بهره‌اند.

رکن نهایی، مدیریت مالی پایدار است. این رکن، فارغ از هر اتفاقی که در مورد قیمت‌های نفت حادث شود، ضروری است. حتی اگر قیمت هر بشکه نفت خام به ۹۰ دلار بازگردد، باز هم بخش گسترده‌ای از سعودی‌های در سن کار نخواهند توانست از بخش دولتی کسب درآمد کنند مگر اینکه کسری بودجه‌های چشمگیری حاصل شود.

مدل مالی و بخش عمومی فعلی که مبتنی بر درآمدهای حاصل از فروش نفت و مخارج دولتی است، باید مورد بازبینی و اصلاح اساسی قرار گیرد؛ نه تنها روش‌ها، بلکه فلسفه بنیادین آن نیز نیازمند تغییر است. در مرحله عملیاتی، دولت عربستان سعودی باید منابع جدید درآمدی را کشف کند و همچنین در مخارج به‌صورت کاملاً کارآمدتر عمل کند. به نظر می‌آید که برای دستیابی به ظرفیت ترسیم‌شده در این گزارش، دولت عربستان به‌منظور تأمین شرایط لازم برای جدا شدن از قیمت‌های چشمگیر نفت در دهه گذشته و همچنین ایجاد زیرساخت برای تحول بنیادین در اقتصاد، نیازمند افزایش سرمایه‌گذاری و به‌طور خاص در ۵ سال آینده خواهد بود. همانطور که توضیح داده شد، اتخاذ رویکرد سیاستی منفعلانه، به این صورت که در یک دوره طولانی، مخارج دولتی به‌صورت واقعی کاهش یابد و همچنین سرمایه‌گذاری دولتی نیز رو به افول برود، باعث خواهد شد که ظرفیت بالقوه رشد اقتصادی کاهش یابد. هدف ما در گزارش این نبوده است که نسبت به چپستی، چگونگی و فوریت اصلاحات مالی نسخه‌ای تجویز کنیم. این موارد، موضوعات سیاسی مهمی هستند که دولت باید در مورد آنها تصمیم‌گیری کند، اما اتخاذ یکسری تصمیمات سیاستی شفاف ضروری به نظر می‌رسد. ما پنج انتخاب بسیار مهم را به‌طور خلاصه مطرح می‌کنیم: تحلیل‌های ما نشان می‌دهد که استفاده از انتخاب‌ها، این ظرفیت را دارد که کسری بودجه پیش‌بینی شده حدود ۱۷۰ میلیارد دلاری برای سال ۲۰۳۰ را از بین ببرد. نکته مهم این‌که، حتی اگر دولت شروع به ایجاد تغییراتی از جمله ثابت نگه داشتن مخارج دولتی به مدت ۵ سال، در واکنش به تحولات شرایط اقتصادی و جمعیت گُند و این تغییرات نسبت به اصلاحات بنیادین کارآیی کمتری داشته باشد، به احتمال زیاد باز هم کسری بودجه ۱۷۰ میلیارد دلاری به وقوع خواهد پیوست. اولاً شایسته است اشاره کنیم که برنامه‌ریزی رشد که در بالا ارائه شد، به احتمال زیاد شکاف مالی را کاهش خواهد داد؛ به‌عبارت دیگر، تحقق رشدهای سریع‌تر باعث خواهد شد که عایدی‌های بیشتری از درآمدهای غیرنفتی موجود نظیر تعرفه‌های گمرکی و درآمدهای حاصل از شرکت‌های دولتی افزایش

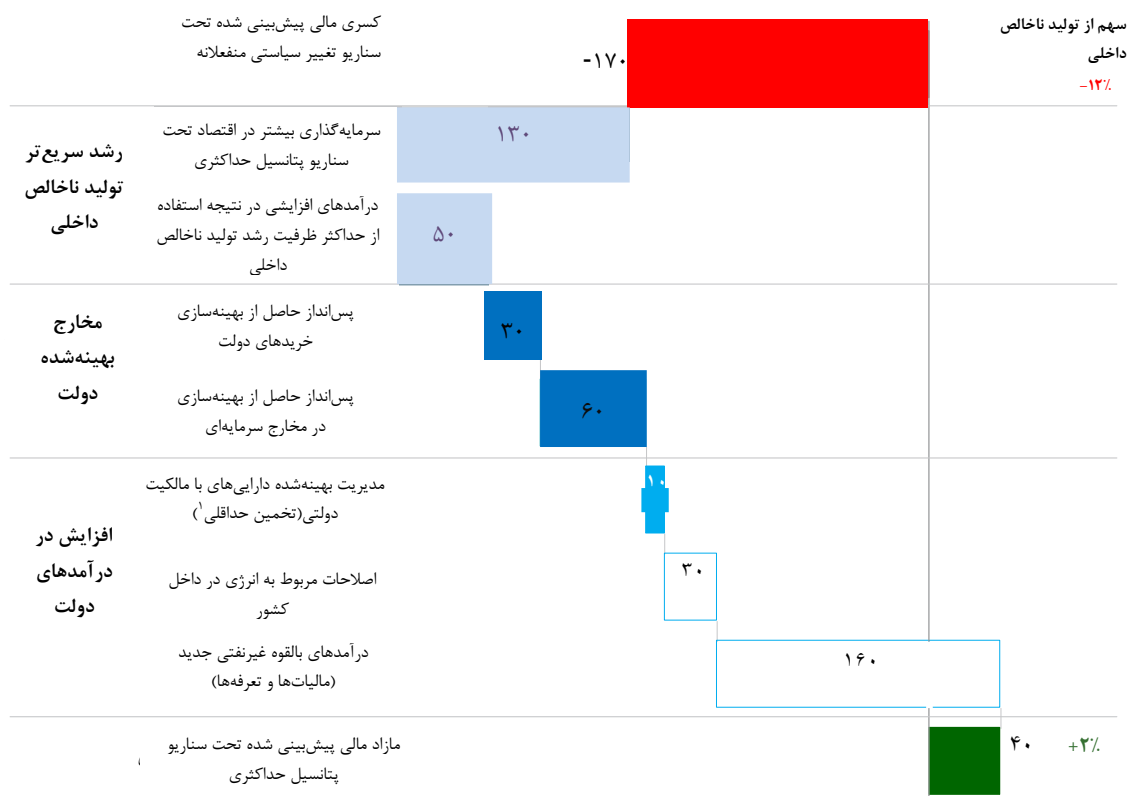
۱. توضیح مترجم: اجرای حقوقی قراردادها به معنای گونه‌ای از چینش نظام حقوقی است که طرفین به الزامات و تعهدات خود طبق قرارداد پایبند باشند.



یابد و در نتیجه، شکاف مالی پیش‌بینی شده رفع خواهد شد. دوم اینکه تحلیل‌ها نشان می‌دهند که در بخش هزینه‌های سرمایه‌ای و مخارج عملیاتی، این امکان وجود دارد که از طریق رویه‌های کارآمدتر و دقیق‌تر، صرفه‌جویی‌های گسترده‌ای صورت پذیرد. سوم، دولت می‌تواند، دارایی‌های مالی و غیرمالی^۱ به ارزش یک تریلیون دلار اضافی در سبد دارایی خود را به‌صورت بهتری مدیریت و تبدیل به نقدینگی کند. چهارم اینکه، اجرای اصلاحات جامع در مورد قیمت‌های پایین انرژی با هدف ترغیب مصرف‌کننده‌ها و تولیدکننده‌ها به سمت بهره‌وری بیشتر، باعث خواهد شد که هدررفت منابع از بین برود و همچنین رقمی حدود ۱/۵ میلیون بشکه نفت اضافی در روز برای صادرات، تا سال ۲۰۳۰ آزاد شود؛ با این فرض که قیمت هر بشکه ۶۰ دلار باشد، می‌توان گفت که این حجم از صادرات، عایدی مازاد سالیانه به اندازه ۱۱۰ میلیارد ریال سعودی (۳۰ میلیارد دلار) فراهم خواهد آورد. در نهایت حکومت عربستان می‌تواند انواع مالیات‌ها را که در جهان مرسوم هستند، نظیر مالیات بر ارزش‌افزوده یا مالیات بر درآمد شخصی را تعریف و پیاده‌سازی کند. اگرچه اجرایی‌سازی این چنین مالیات‌هایی، انحراف از اصول حکمرانی سابق تلقی می‌شود و همچنین فرآیند اجرای آن نیز زمان‌بر است، اما باید گفت که چنین اقدامی، باعث خواهد شد که عربستان سعودی، در حوزه عملکرد مالی پایدار، هم‌عرض اقتصادهای توسعه‌یافته و اقتصادهای نوظهور گروه ۲۰ قرار گیرد. الزام نسبت به همه پیشنهادها مطرح شده باعث خواهد شد که شکاف مالی پیش‌بینی شده به میزان بیشتری کاهش یابد.

نمودار ۵. کسری مالی پیش‌بینی شده برای حکومت، قابل حذف است به شرطی که مجموعه گسترده‌ای از اصلاحات هزینه‌ای و درآمدی پیاده‌سازی و اجرا شود

تراز بودجه‌ای سالانه برای سال ۲۰۳۰ طبق سناریو پتانسیل حداکثری
قیمت‌های سال ۲۰۱۵، ارقام به میلیارد دلار



مأخذ: تحلیل‌های مؤسسه جهانی مک‌کنزی.

۱. تخمین حداقلی به این دلیل است که هیچ‌گونه اطلاعات عمومی نسبت به ارزش کل دارایی‌های دولتی از جمله دارایی‌هایی که تحت مالکیت صندوق سرمایه‌گذاری عمومی سعودی است، در اختیار نیست.

۵. اجرایی‌سازی: چالشی برای کسب‌وکارها، خانوارها و همچنین دولت

چنانچه اصلاحات انجام نشود، حکومت عربستان با کسری بودجه‌های ناپایدار و بدهی‌های رو به تزاید روبرو خواهد شد. اما فرای اقدامات اجرایی، شرط لازم برای تحول، تغییر در طرز فکر است. این امر باعث می‌شود که جهت‌گیری اقتصاد عربستان، از وابستگی به بخش دولتی، به سمت نقش رو به افزایش بخش خصوصی تغییر کند.

این تغییرات صرفاً مسئله‌ای مربوط به دولت نیست، بلکه به‌طور مستقیم، کسب‌وکارها و بنگاه‌ها را نیز تحت‌الشعاع قرار خواهد داد. دولت چاره‌ای جز بازنگری در تعهدات خود به شهروندان ندارد؛ به‌عبارت دیگر دولت می‌بایست از تعهداتش مبنی بر تأمین مادام‌العمر امنیت اقتصادی و کالاهایی که منجر به وابستگی مردم به بخش عمومی شده است عدول کند و در مقابل، بر افزایش ظرفیت بالقوه و بهره‌وری



تک تک شهروندان سعودی تمرکز کند. راجع به بخشی که مربوط به شهروندان سعودی می‌شود باید گفت که آنها می‌توانند در مقابل تعهد بیشتر نسبت به حمایت از جامعه از طریق پرداخت مالیات و هزینه‌های عمومی، در گستره بزرگتری از کسب‌وکارها وارد شوند. همانند مشخصات اقتصادهای مدرن، در حالی که آحاد جامعه و بخش خصوصی رو به رشد، از جایگاه بسیار بزرگتری نسبت به شرایط فعلی برخوردار هستند و همچنین در روند تأمین مالی کالاهای عمومی که به صورت خصوصی بهره‌مند می‌شوند نقش‌آفرینی می‌کنند، دولت نیز می‌بایست در راستای ارتقای موفقیت و رفاه جامعه گام بردارد.

همانند بسیاری از تحولات بزرگ و عمده، نحوه اجرا، بسیار مهم است و نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. در این کشور، همواره دولت، عامل مسلط و یگانه برای تعیین مسیر حرکت جامعه بوده است. اما نقشه راه تحولی که در این گزارش ترسیم شده است دائر مدار این است که همه بخش‌های جامعه، برای رقم زدن سرنوشت اقتصادی خود، مسئولیت‌پذیری بیشتری داشته باشند و در راستای تحقق سرنوشت خود، کمتر به دولت تکیه کنند. در این فضا، تحول نیازمند به یک تلاش جمعی است.

با این تفاسیر، دولت لزوماً باید آغازگر بسیاری از این تغییرات باشد. دولت می‌تواند رویکردهایش را در سه جهت اساسی مورد بازبینی قرار دهد:

۱. طراحی مدل جدید درآمدی براساس تسهیل سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و در ادامه، مشارکت در عایدی‌های آن.

۲. طراحی مدل تأمین اجتماعی جدید برای شهروندان؛ این مدل به سعودی‌ها کمک خواهد کرد که به صورت کارآمدتر عمل کنند و در شرکت‌های رقابتی بتوانند دستمزد بالاتری کسب کنند.

۳. به طور خاص دولت باید تمرکز ویژه‌ای در راستای ارائه خدمات دولتی بدون نقص به کار بگیرد. اجرایی‌سازی این رویکردها نیاز به دو امر دارد: اول، هماهنگی مؤثر و بیشتر بین وزارتخانه‌ها و دوم، نظام مدیریت عملکرد که این نظام بر نحوه چینش اولویت‌ها و پاسخگویی نسبت به نحوه اجرایی‌سازی این رویکردها تأکید دارد.

اما باید گفت که دولت، به تنهایی نمی‌تواند در این راه موفق شود و ضروری است که بنگاه‌های خصوصی برای نشان دادن مسیر درست به یاری فراخوانده شوند. کسب‌وکارها به جای اینکه در انتظار عایدی‌های آسان و تضمین‌شده بنشینند باید در امور ریسکی مشارکت و سرمایه‌گذاری کنند. بنگاه‌ها نیز باید در فضای بازار کار، جهتگیری خود را تغییر دهند به طوری که به جای تکیه بر نیروی کار کم‌هزینه خارجی، اقدام به پرورش و آموزش بازار کار متشکل از اتباع سعودی کنند. منفعت‌های ناشی از بهره‌وری در همه بخش‌هایی که مورد بررسی قرار گرفتند، در نهایت برابر خواهد بود با جمع تحولاتی که در سطح بنگاه‌ها^۱ و با مدیریت هیئت مدیره‌ها و مدیران اجرایی آنها در عربستان به وقوع پیوسته است. همچنین کسب‌وکارهای بین‌المللی این فرصت را خواهند داشت که در راستای تحقق تغییرات نقش‌آفرینی کنند.

این امر زمانی محقق می‌شود که عربستان سعودی نه تنها در حوزه سرمایه‌گذاری مرزهایش را بگشاید (که این امر باعث خواهد شد سرمایه مورد نیاز فراهم گردد) بلکه فضای باز برای رقابت گسترده‌تر فراهم شود که به موجب آن شرکت‌های بین‌المللی به فرآیند حرکت اقتصاد کمک کرده و روزآمدسازی حکومت عربستان را سرعت خواهند بخشید.

چنانچه تغییرات با موفقیت کامل انجام شود، خانوارها و آحاد سعودی باید الزامات این تغییرات را با جان و دل بپذیرند. این تغییرات به خوبی در زندگی مردم محسوس خواهد بود و مردم آنها را لمس خواهند کرد؛ به این صورت که فرصت‌های شغلی بیشتری برای آنها فراهم می‌شود، آموزش‌ها و مهارت‌های بهتری کسب می‌کنند، درآمد بالاتری کسب خواهند کرد و در نهایت، از انعطاف‌پذیری بیشتری برخوردار خواهند شد. در مقابل، آحاد سعودی از هر دو جنسیت وظیفه دارند که در بخش خصوصی نوظهور مشغول کار شده و البته به صورت بهره‌ورتری فعالیت کنند. همچنین آنها باید نقش بیشتری در رقم زدن سرنوشت خود ایفا کنند و در مورد آموزش و زندگی کاری خود تصمیم‌های مهم‌تری بگیرند.

در نهایت باید گفت که فارغ از هر اتفاق احتمالی، اجرایی‌سازی نسخه‌ای از تحول عربستان سعودی که در این گزارش ارائه شد، برای تحقق رشد ضروری است. این نسخه می‌تواند فرصت‌های جدیدی برای کسب‌وکارها و خانوارها فراهم کند و در فرآیند اجرای آن، یک تحول بنیادین در مورد نقش اقتصادی دولت و رابطه آن با جامعه رخ خواهد داد. تحقق رفاه آینده، تا حد زیادی به خود سعودی‌ها بستگی دارد؛ آنها هستند که باید فرصت‌های شغلی را ایجاد کنند، شرکت‌ها را راه‌اندازی کنند، سرمایه کسب کنند، مهارت‌هایشان را بهبود ببخشند و در نهایت، مشاغل سودآور را بیابند. به موازات توانمند شدن بخش خصوصی، برای آنهایی که به دنبال کسب فرصت‌های شغلی جدید با درآمد خوب هستند، پدید می‌آید. ثمره چنین تغییر و تحولی، به صورت رفاه بیشتر برای خانوارها و همچنین برای کل جامعه سعودی، نمایان خواهد شد.

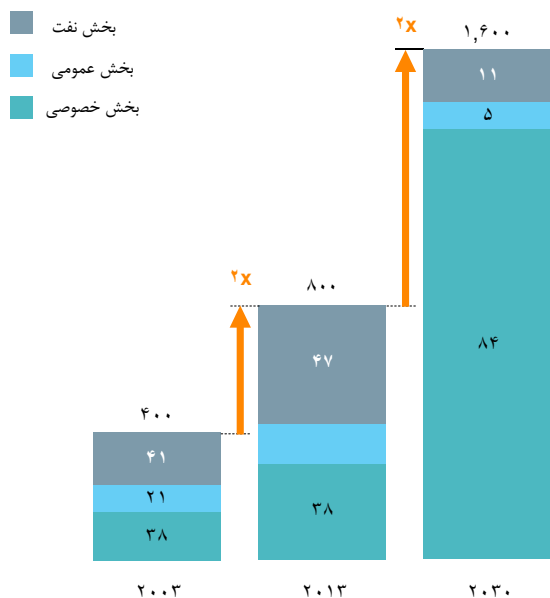


نمودار ۶. چگونه سناریو پتانسیل حداکثری می‌تواند منجر به تحول اقتصاد عربستان شود

بخش خصوصی، تبدیل به مهمترین پیشران اقتصاد خواهد شد و اتباع سعودی، نقش گسترده‌تری در بازار نیروی کار ایفا خواهند کرد.

۲۰۰۳-۳۰، تولید ناخالص داخلی واقعی هر یک از بخش‌ها

قیمت‌های ثابت ۲۰۱۳، میلیارد دلار؛ درصد از تولید ناخالص داخلی اسمی



۲۰۰۳-۳۰، اجزاء اشتغال

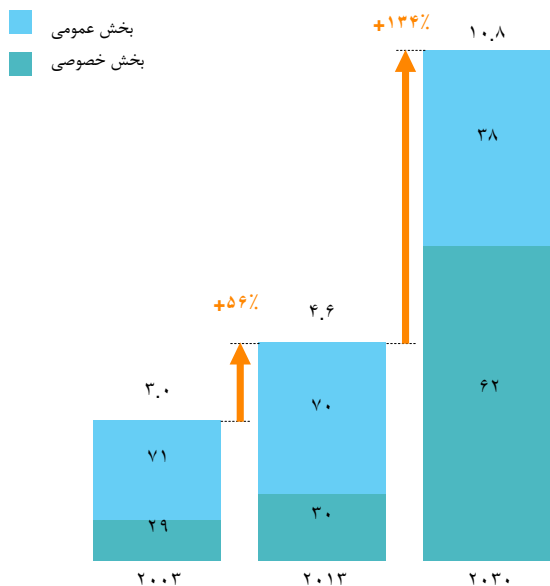
میلیون؛ درصد



همچنین بخش خصوصی، به مهم‌ترین عامل اشتغال و مهم‌ترین عامل کسب درآمد برای اتباع سعودی و خانوارها مبدل خواهد شد.

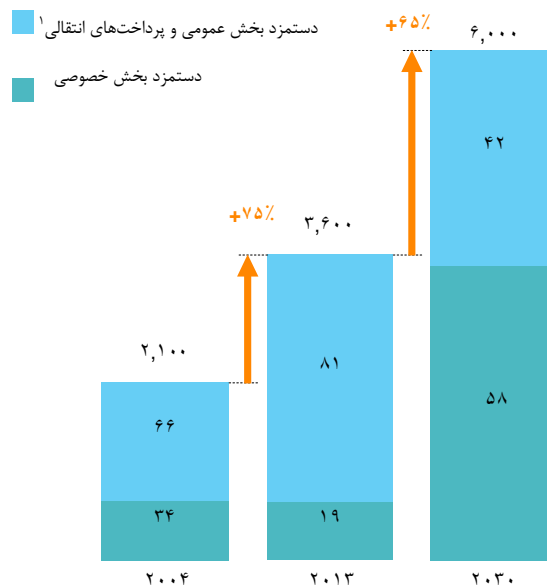
۲۰۰۳-۳۰، اشتغال اتباع سعودی در بخش‌های مختلف

میلیون؛ درصد



۲۰۰۴-۳۰، درآمد واقعی خانوار برای اتباع سعودی

قیمت‌های ثابت ۲۰۱۳، دلار به ازای هر ماه؛ درصد



منابع: دپارتمان مرکزی آمار و اطلاعات، وزارت اقتصاد و برنامه‌ریزی سعودی، تحلیل‌های مرکز جهانی مک‌کنزی.

توضیح: به دلیل گرد شدن، اعداد نباید جمع زده شوند.

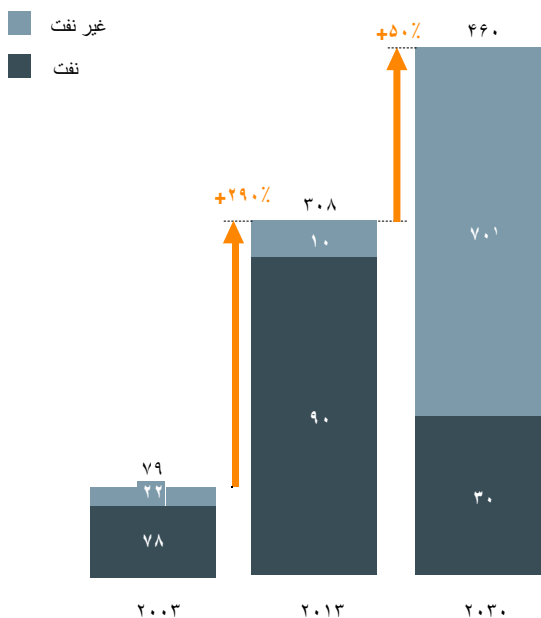
۱. شامل بخش نفت هم می‌شود.

نمودار ۷. چگونه سناریو پتانسیل حداکثری می‌تواند منجر به تحول اقتصاد عربستان شود (ادامه)

درآمدهای غیرنفتی، مهم‌ترین منبع درآمد برای دولت خواهد بود و سرمایه‌گذاری سه برابر خواهد شد.

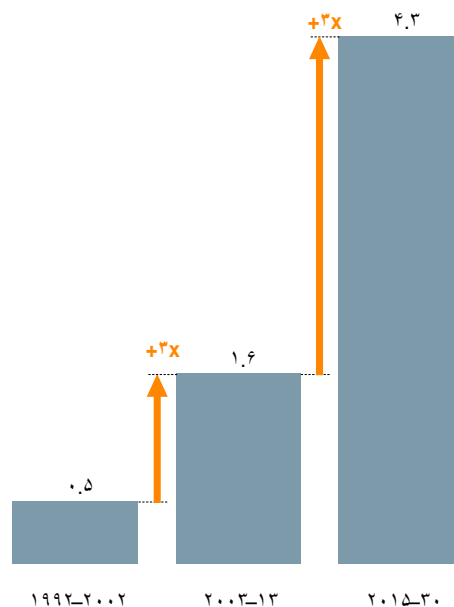
۲۰۰۳-۳۰، درآمد دولت به تفکیک منبع

قیمت‌های جاری، میلیارد \$؛ %



۲۰۰۳-۳۰، سرمایه‌گذاری کل

قیمت‌های ثابت ۲۰۱۳، تریلیون \$

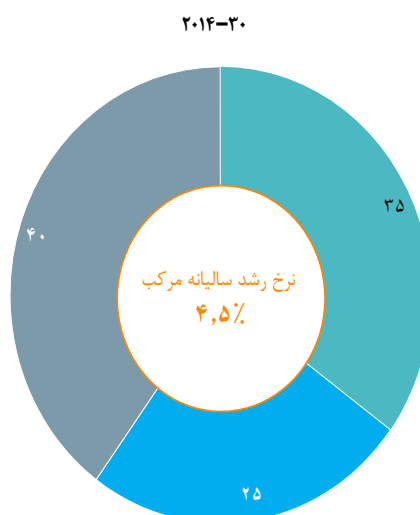
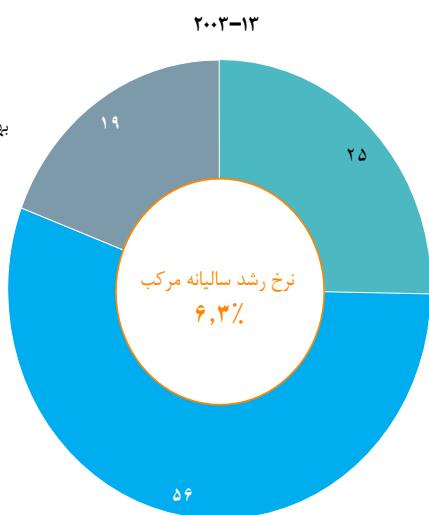


بهره‌وری و سرمایه‌گذاری مهمترین پیشران‌های رشد محسوب می‌شوند.

۲۰۰۳-۳۰، سهم هر یک از عوامل تولید در تولید ناخالص داخلی

%

- سرمایه
- نیروی کار
- بهره‌وری کل عوامل تولید



مأخذ: دپارتمان مرکزی آمار و اطلاعات، وزارت اقتصاد و برنامه‌ریزی سعودی، تحلیل‌های مرکز جهانی مک‌کنزی. ۱. با این فرض که درآمدهای غیرنفتی جدید از جمله عوارض و مالیات‌ها اضافه شده‌اند.



حکومت عربستان سعودی، در حال تبدیل از موقعیت قدرتمند مبتنی بر درآمدهای نفتی در بازه زمانی ده ساله به موقعیت جدیدی است که چالش‌های درونی و بیرونی متعددی در سر راه آینده آن قرار دارد. حکومت عربستان، با تکیه بر ظرفیت‌های درونی اقتصاد، آزادسازی بخش خصوصی به منظور افزایش بهره‌وری و ایجاد شغل برای اتباع سعودی و در نهایت، راه‌اندازی و اتخاذ رویکرد بازارمحور نسبت به مدیریت مالی و توسعه اقتصادی، نه تنها می‌تواند چالش‌های پیچیده را پشت سر بگذارد، بلکه می‌تواند به صورت کاملاً پایدارتری نسبت به آنچه در دوره وفور درآمدهای نفتی رخ داد، پیشرفت کند. در یک دهه گذشته، نشانه‌های مهمی از پیشرفت اقتصادی و فهم سیاسی راجع به ضرورت تغییر، در عربستان سعودی مشاهده شده است. به منظور تحقق رفاه و پیشرفت اقتصادی و تداوم آن، ضروری است که دانسته‌ها راجع به ضرورت تحول، به بوته عمل جسورانه و سریع^۱ گذاشته شود.

تحلیل و ارزیابی مرکز پژوهش‌ها

بعد از مطالعه گزارش مهم مؤسسه مک‌کنزی پیرامون اقتصاد عربستان، ضروری به نظر می‌رسد که نکات، دلالت‌ها و البته نقایص آن مورد تحلیل و موشکافی قرار گیرد.

این گزارش دارای چهار بخش عمده است: در بخش اول راجع به دهه وفور درآمدهای نفتی یعنی سال‌های ۲۰۰۳ الی ۲۰۱۳ و اثر آن بر رفاه و رشد عربستان سعودی توضیحاتی ارائه شده است. همچنین دو چالش مهم عربستان سعودی یعنی دگردیسی بازار جهانی انرژی و افزایش ناگهانی جمعیتی پیش‌رو که منجر به هجوم نیروهای جوان به بازار کار می‌شود، مورد تحلیل قرار گرفته است. در بخش دوم، با توجه به ضرورت تحول، هشت بخش اقتصادی که ظرفیت لازم را برای تأمین رشد پایدار دارا هستند، معرفی شده‌اند. در بخش سوم گزارش، اصلاحات بنیادین مورد نیاز برای تحقق تحول اساسی معرفی شده‌اند؛ اصلاحاتی در بازار نیروی کار، وضعیت کسب‌وکار و نحوه مدیریت مالی دولت. در نهایت در بخش چهارم، نحوه اجرایی‌سازی تحول مورد نظر تبیین شده است. در این بخش از گزارش تأکید شده است که نه تنها دولت عربستان، بلکه مردم نیز باید به منظور تغییر آینده خود تصمیم‌های مهم و البته دشواری بگیرند. با ذکر این مقدمه، به بیان چند نکته می‌پردازیم:

۱. مطالعه این گزارش از دو جهت اهمیت دارد: اول اینکه اقتصاد عربستان علی‌رغم همسایگی، کمتر مورد مذاقه و تحلیل قرار گرفته است. این گزارش کمک می‌کند که فهم بهتری از اقتصاد عربستان برای پژوهشگران به وجود آید. ضمن اینکه در چند سال اخیر و به دلایل مختلف سیاسی و مذهبی،

۱ توضیح مترجم: به نظر می‌آید که منظور کارشناسان از عبارت اقدام سریع (Urgent Action) این است که شرایط اقتصادی عربستان سعودی وارد فاز بحرانی یا به اصطلاح اورژانسی شده است و نیاز به اقدام اورژانسی دارد و باید از دانش اندوخته اقتصادی برای رفع این معضل بهره گرفته شود. به نظر نمی‌آید که منظور نویسندگان این باشد که اقداماتی فوری ولو غیرکارشناسی انجام شود؛ چرا که تجربه ثابت کرده است که اصلاحات بنیادین نظیر قطع وابستگی به نفت، جز از طریق مطالعات کارشناسانه و فراهم کردن ترتیبات نهادی (که آن هم به صورت تدریجی پدید می‌آید) حاصل نخواهد شد و چنانچه راهکارهای پرشتاب در راستای اصلاحات بنیادین اتخاذ شود، نتایج زیان‌باری به دنبال خواهد داشت.

تنش‌های بین دو کشور بالا گرفته است. از این‌رو شناخت همه‌جانبه این کشور امری ضروری به نظر می‌رسد. از جهت دیگر باید گفت اقتصاد عربستان و اقتصاد ایران به دلیل ابتننا بر درآمدهای نفتی، شباهت‌هایی با یکدیگر خواهند داشت و مذاقه در تحلیل‌های ارائه شده در این گزارش نشان می‌دهد که تحلیل‌های راجع به اقتصاد عربستان (با فرض درستی) تا حد زیادی در مورد ایران هم مصداق دارد.

۲. کارشناسان مک‌کنزی بر این باورند که دو چالش اساسی در اقتصاد عربستان مطرح است. یکی دگردیسی بازار جهانی نفت و دیگری افزایش ناگهانی جمعیت.

کارشناسان مؤسسه بر این باورند که «سرمایه‌گذاری جهانی در نفت، در حال افزایش است و منابع جدید عرضه انرژی نظیر انرژی‌های تجدیدپذیر و نفت شیل آمریکا در کنار تکنولوژی‌های متنوع در بخش انرژی، همه‌وهمه نشان از رقابت گسترده‌تر بر روی کلیدی‌ترین کالای صادراتی و منبع درآمدی حکومت عربستان دارد». این گزاره نشان می‌دهد که اقتصاد ایران نیز نمی‌تواند چندان به درآمدهای نفتی در آینده امیدوار باشد. چالش مهم دیگری که اقتصاد عربستان با آن مواجه است، رشد جمعیتی و مسئله اشتغال است. طبق پیش‌بینی‌ها، بازار نیروی کار دوگانه در عربستان متشکل از اتباع عربستانی با درآمدهای بالا و عمدتاً در مشاغل دولتی و کارگران خارجی با درآمدهای پایین با قراردادهای کوتاه‌مدت، ممکن است در آینده با مشکل بزرگی مواجه شود. هجوم گسترده نیروی کار جوان عربستانی و بیکاری فراگیر، پدیده‌ای است که بازار نیروی کار در این کشور را تهدید می‌کند.

اگرچه تفاوت‌هایی در ماهیت پدیده بیکاری در ایران و عربستان وجود دارد، اما به نظر می‌رسد که پیش‌بینی‌ها راجع به بروز پدیده بیکاری فراگیر و به‌طور خاص بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در ایران نیز به‌شدت جدی است.

۳. راهبردها و سیاست‌هایی که در این گزارش به حکام عربستان پیشنهاد شده است، اگر نگوئیم تطابق کامل، می‌توان گفت که شباهت بسیار زیادی با سیاست‌های تعدیل ساختاری دارد. این شباهت‌ها عبارتند از: رفع محدودیت‌های تجارت خارجی یا ورود آزاد کالاهای خارجی، آزادی سرمایه‌گذاری خارجی، خصوصی‌سازی اقتصاد، پذیرش اصل رقابت در عرصه اقتصاد (چه در ارتباط با اقتصاد داخل کشور و چه در زمینه اقتصاد داخل با خارج)، حاکمیت کامل قانون عرضه و تقاضا، از بین بردن سهمیه‌بندی و کلیه سیاست‌های هدایتی در این زمینه، محدود کردن سیاست‌های دولتی، تکیه بر مکانیسم بازار و ایجاد فضای رقابتی.

سیاست‌های تعدیل ساختاری همان سیاست‌هایی هستند که اصطلاحاً از آنها با عنوان «یک نسخه واحد برای همه کشورهای در حال توسعه» یاد می‌شود. در این باب دو نکته مهم قابل ذکر است: اول اینکه تجربه اجرای سیاست‌های تعدیل ساختاری در کشورهای در حال توسعه از جمله کشورهای آمریکای لاتین، نتایج فاجعه‌باری بر جای گذاشت. ثانیاً در کشوری مثل عربستان که نظامات حاکم تا حد زیادی به سمت اقتصاد دولتی، اقتصاد رانتی، بهره‌وری پایین، بخش خصوصی کم‌حجم و کم‌تجربه، ابتننا



بر درآمدهای هنگفت نفتی، فرهنگ کم‌کاری و مصرف تظاهری و ... سوق پیدا کرده است، آزادسازی اقتصادی بی‌مه‌با و بدون برنامه، احتمالاً نتیجه‌ای جز تخریب کامل تولید داخل و تبدیل شدن کشور به یک اقتصاد مصرفی و وارداتی نخواهد داشت. به‌علاوه تعجب‌برانگیز است که چرا در این زمانه، نسخه‌هایی که غیرشفابخش بودن آنها اثبات شده است، برای اقتصاد عربستان تجویز می‌شود؟

۴. در این گزارش، در راستای تحقق تحول اقتصادی در عربستان، هشت بخش اقتصادی به‌عنوان پیشران‌های اقتصادی معرفی می‌شوند. نگاهی به این بخش‌ها و مطالعه توضیحات مطرح شده پیرامون آنها در گزارش نشان می‌دهد که بخش‌هایی که ماهیت تولیدی بیشتری دارند و در راستای افزایش تولید ناخالص داخلی نقش بیشتری ایفا خواهند کرد، عمدتاً مبتنی بر منابع طبیعی هستند و یا مصرف انرژی بسیار بالایی دارند؛ این بخش‌ها عبارتند از: بخش معدن، فلزات و پتروشیمی. همچنین در بخش تولید صنعتی نیز صحبتی از اقتصاد دانش‌بنیان و تولید کالاهای با فناوری بالا به میان نیامده است و نگاه‌ها بیشتر معطوف به سمت صنایع مونتاژ و یا صنایع دارای ارزش‌افزوده اندک است؛ در کشورهای نظیر عربستان سعودی که تکنولوژی تولید در سطوح پایین قرار دارد (به نسبت کشورهای صنعتی و دارای تکنولوژی برتر)، باز کردن مرزها و استقبال از صنایع مونتاژ، احتمالاً باعث تحول در بنیه‌های تولیدی کشور نخواهد شد و در نتیجه واردات کالاهای مصرفی، واسطه‌ای و سرمایه‌ای، اقتصاد و تولید به‌شدت وابسته خواهد شد. از این رو می‌توان گفت که توصیه‌های کارشناسان مؤسسه مک‌کنزی به نوعی شبیه به بازاریابی برای صنایع اروپایی و غربی است و نسبتی با تقویت بنیه تولیدی کشور ندارد.

۵. مهمترین نکته‌ای که در باب عملکرد اقتصادی و غیراقتصادی عربستان باید گفت این است که رویه فعلی حکمرانی عربستان سعودی، با توصیه‌های مطرح شده در گزارش مک‌کنزی سازگاری ندارد. توضیح اینکه در گزارش مورد نظر به‌صراحت بیان شده است که در مدل مالی و اقتصادی مورد استفاده این گزارش، پارامترهای سیاسی و امنیتی لحاظ نشده‌اند. آنچه امروز مشاهده می‌شود این است که رویکرد سیاسی و امنیتی بر رویکرد اقتصادی تفوق یافته و این کشور نه تنها توصیه‌های کارشناسی را نصب‌العین خود قرار نداده، بلکه گویی خلاف آنها حرکت می‌کند؛ شاهد مثال این ادعا، استفاده از ذخایر ارزی کشور برای مخارج جاری و عمرانی و همچنین نقش‌آفرینی در بحران‌های منطقه‌ای و جنگ‌های خودساخته است؛ این در حالی است که پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که کسری بودجه این کشور رو به افزایش است و براساس محاسبات، چنانچه حکومت عربستان از هم‌اکنون تا سال ۲۰۳۰ اقدام به ثابت کردن مخارج دولتی و هزینه‌های عمومی کند، در سال ۲۰۳۰، باز هم مبلغی حدود ۱۷۰ میلیارد دلار کسری بودجه این کشور خواهد بود.

منبع و مأخذ



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۴۸۵۳

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: عربستان بدون نفت؛ تحول در سرمایه‌گذاری و بهره‌وری
عنوان گزارش به انگلیسی:

SAUDI ARABIA BEYOND OIL: THE INVESTMENT AND PRODUCTIVITY
TRANSFORMATION

نویسندگان گزارش:

Gassan Al-Kibsi, Jonathan Woetzel, Tom Isherwood, Jawad Khan, Jan
Mischke, Hassan Noura

نام دفتر: مطالعات اقتصادی (گروه توسعه و برنامه‌ریزی)

تهیه و تدوین: مهدی رزم‌آهنگ

ناظران علمی: سیداحسان خاندوزی، ابوالفضل پاسبانی صومعه

متقاضی: معاونت پژوهش‌های اقتصادی

ویراستار ادبی: —

ویراستار تخصصی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. عربستان سعودی

۲. اقتصاد بدون نفت

۳. بیکاری

۴. تحول بنیادین

۵. بهره‌وری

۶. سرمایه‌گذاری خارجی



تاریخ انتشار: ۱۳۹۵/۳/۳